

تحول در آرایش نیرو؟

پیرامون دور جدید مذاکرات

عراق و فلسطینی‌ها با اسرائیل

در صفحه ۱۲

کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد: ادامه نقض حقوق بشر در ایران محکوم است

کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد روز پنجشنبه پنجم شهریورماه در اجلاس سالانه خود در ژنو، بار دیگر حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر ادامه نقض خشن حقوق بشر در ایران محکوم کرد.

در قطعنامه‌ای که با اکثریت آراء به تصویب کمسیون حقوق بشر رسید، اعدام‌های وسیع، ادامه شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، سنگسار زنان و ادامه آزار و اذیت اقلیت‌های مذهبی توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم شناخته شده است. کمسیون حقوق بشر همچنین به محاکمه و اعدام سریع بازداشت شدگان تظاهرات اخیر مردم در شهرهای شیراز و اراک و مشهد اعتراض کرده است.

چند روز قبل از تصویب این قطعنامه، کمسیون حقوق بشر خواستار لغو حکم قتل سلیمان رشدی از سوی حکومت اسلامی ایران شده بود.

ادامه در صفحه ۳

انجمن‌های اسلامی احیا میشوند

خامنه‌ای:

— انجمن‌های اسلامی چشم‌بینا و زبان‌گویای انقلاب و اسلام هستند.

— مدیران موظفند با انجمن اسلامی همکاری کنند

— اقتصاد از ادسختن قریبی هاست و ما در پی قرب نیستیم

اسلامی گردید و اظهار داشت که دشمن در سال‌های قبل متعجب بود که چگونه این نظام توانسته است در ادارات، کارخانه‌ها، بازار، محلات، مدرسه، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها عناصر خود را جایگزین کند.

در طی چند سال گذشته ضرورت وجودی انجمن‌های اسلامی به خاطر عملکرد منفی‌اش توسط وزرا و مدیران ادارات و کارخانجات زیر سؤال رفته بود و این مسئله بارها مطرح شده بود که انجمن‌های اسلامی خاص دوره اول انقلاب بود و اکنون دورانش پایان یافته است. خامنه‌ای همین مسئله را طرح می‌کند. نظر خامنه‌ای این است که شخص یا اشخاصی نمی‌توانند تضوات کنند که ما انجمن اسلامی لازم داریم یا

خامنه‌ای برای اجرای «نهی از منکر» در جامعه به طور سازمان‌یافته برنامه فعال کردن حزب‌اللهی‌ها را پیش می‌برد. او نخستین سخنرانی‌اش را که موجب تغییر جو سیاسی کشور گردید، در جمع بسیجیان ایراد کرد و از آنها خواست که فعالانه در صحنه حضور یابند. اکنون به احیای فعال کردن انجمن‌های اسلامی پرداخته است. انجمن‌های اسلامی در سال‌های اخیر به خاطر برخورد سرکوب‌گرانه، تنگ‌نظرانه و دیگر عملکردهای منفی‌اش منزوی و یا منحل شده بودند. خامنه‌ای در هفته گذشته، انجمن‌های اسلامی موجود را نراخواند و برای آنها سخنرانی مغضلی کرد. او در این سخنرانی خواستار تقویت انجمن‌های

طرح «پرواز ممنوع» در جنوب عراق به اجرا در آمد

شبهه تلویزیونی ان. پی. سی آمریکا نیز اوایل هفته گذشته اعلام کرده بود: بنا بر خبر موثقی که بدست آورده است آمریکا تجهیزات جنگی هوایی خود را محرمانه به عربستان سعودی انتقال داده تا در صورت حمله عراق از پایگاه‌های خود در این کشور استفاده کند. ان. پی. سی اظهار عقیده کرده بود که هدف این عملیات آن است که ابتدا هواپیماهای عراقی را که به شیعیان حمله می‌کنند، سرنگون سازند.

مقامات آمریکا از جمله بوش رئیس‌جمهور آن کشور در واکنش نسبت به این گزارش‌ها وجود طرحی برای درگیری نظامی با عراق را تکذیب نکردند ولی، هرگونه ارتباط میان چنین طرحی با مبارزات انتخاباتی در داخل آمریکا را رد کردند.

انتشار خبر مربوط به قصد دولتهای آمریکا، انگلیس و فرانسه برای ایجاد منطقه امن در جنوب عراق، از همان آغاز با واکنش‌توام با نگرانی بسیاری از کشورهای منطقه و همسایگان عراق مواجه شد. سوریه، اردن، ترکیه، مصر، لیبی و بحرین طرح دولت آمریکا و متحدانش در مورد عراق را مورد انتقاد قرار دادند و آنرا خطری برای تمامیت ارضی عراق تلقی نمودند. فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه گفت: این طرح را ادامه در صفحه ۲

طرح ممنوعیت پرواز هواپیماهای عراقی در منطقه جنوب آن کشور روز چهارشنبه از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه رسماً به اجرا گذاشته شد. مطابق این طرح محدود زیر مدار ۳۲ درجه که شامل یک سوم خاک عراق و تمام منطقه جنوب آن کشور است، از زیر کنترل هوایی رژیم صدام حسین خارج می‌شود. آمریکا و متحدانش هدف خود را از این اقدام «حفاظت از شیعیان جنوب عراق از گزند بمبارانهای هوایی دولت عراق» اعلام کرده‌اند.

تصمیم به اعلام منطقه ممنوعه در جنوب عراق زمانی صورت گرفت که از دو هفته پیش از آن رسانه‌ها و مفسرین قریب از وجود طرحی برای یک اقدام نظامی از سوی آمریکا و متحدانش علیه رژیم صدام حسین خبر داده بودند و آنرا با مبارزات انتخاباتی آمریکا مربوط می‌دانستند. روزنامه نیورک تایمز نوشته بود که آمریکا و متحدانش برای ایجاد یک درگیری نظامی دیگر در عراق آماده می‌شوند و این اقدام بمنزله کمکی برای تجدید انتخاب بوش به ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات قریب‌الوقوع آن کشور است. بنظر نیورک تایمز اگر بوش بتواند با کمترین خطر از لحاظ تلفات انسانی این عملیات را پیرومندانه انجام دهد، شانس انتخاب دوباره او بالا خواهد رفت.

تظاهرات مردم در تهران و کرمانشاه

خیابان‌ها بگرداندند. اقدام مأمورین انتظامی با اعتراض مردم مواجه شد و این اعتراض به تظاهراتی گسترده تبدیل شد. حوالی ساعت ۸ شب چهارشنبه ۲۱ مرداد حدود ۲ هزار تن از مردم به سوی پاسگاه نیروهای انتظامی در محله یافت آباد حرکت کردند و کوشیدند آنرا به اشغال خود درآورند. نیروهای انتظامی به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. بر اثر تیراندازی عوامل رژیم گروهی کشته و مجروح شدند. همراه با ادامه تظاهرات صدها تن دیگر از نیروهای سرکوبگر به محله یافت آباد یورش آورده و این محله را اشغال کردند. در جریان تظاهرات، گروه کثیری از مردم بازداشت

کردند

ادامه در صفحه ۳

پاسداران در تهران و کرمانشاه گروه دیگری از مردم را کشتند و صدها تن را بازداشت کردند

شکنجه و اعدام دستگیر شدگان را تهدید می‌کنند.

مقاومت مردم علیه تعرض حزب الله و نیروهای انتظامی رژیم ابعاد گسترده‌تری می‌یابد.

روزهای ۲۱ و ۲۵ مرداد مردم محله‌های یافت آباد تهران و جعفرآباد کرمانشاه به تظاهرات گسترده و دامنه‌داری علیه رژیم دست زدند. به گزارش خبرنگار حزب ملت ایران تظاهرات دریافت یافت آباد تهران زمانی در گرفت که نیروهای انتظامی در صدد برآمدند دوتن را به هلت ارتکاب به عمل «منکر» در

رونق اقتصادی یا فلاکت اقتصادی؟

سرمايه‌گذاري هم‌راني از ۱۹/۴ درصد در سال ۷۰ به ۳۱/۳ درصد در سال ۷۰ رسیده است. به گفته هادلی نرخ تورم در سطح عمده فروشی کالاها و خدمات مصرفی در سال ۷۰ به ۲۸/۷ رسیده که این میزان در مورد مسکن از ۷/۶ درصد در سال ۶۹ به ۲۰۲ درصد در سال ۷۰ رسیده بود...

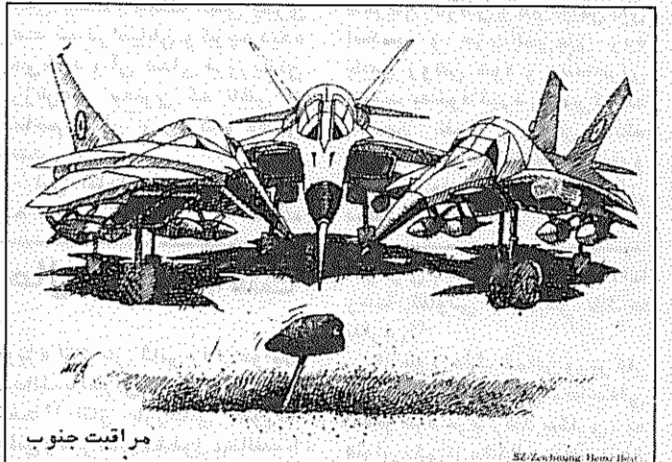
آمار وزارت‌امتی هادلی اگر هم درست باشد، مربوط به سال ۷۰ است. و اکنون نیمه سال ۷۱ است و اوضاع اقتصادی کشور و به تبع آن وضع معیشتی مردم در طول ۶ ماه اخیر، نه حتی ماه به ماه بلکه روز بروز خراب شده است. به عنوان مثال تورم ۲۸ درصدی که هادلی از آن یاد میکند هم‌اکنون سر به بالا ۵۰ درصد می‌زند.

هادلی رئیس کل بانک مرکزی به خبرنگاران می‌گوید که «اقتصاد کشور اکنون با رونق روبروست» اما معلوم نیست چگونه می‌شود این سخن آقای هادلی را با افت شدید روز بروز قدرت خرید مردم، ناتوانی اکثریت مردم در تأمین مایحتاج روزانه خود، افت تولید و توقف کار تعداد قابل ملاحظه‌ای از واحدهای تولیدی در کشور در اثر ورود بی‌رویه کالاهای مصرفی و سیر صعودی افزایش شمار بیکاران و ده‌ها واقعت ناگوار و نگران‌کننده دیگر در وضع اقتصادی اجتماعی کشور سازگار دانست؟ حتی اگر چشم به این واقعیت‌های هریان در زندگی روزمره مردم هم بسته شود، همه چیز از جمله اظهارات برخی مقامات و مسئولان رژیم خبر از فلاکت اقتصادی به جای رونق

ادامه در صفحه ۳

در حالیکه وضع اقتصادی کشور وخیم‌تر شده و تنگنای اقتصادی زندگی مردم را روز بروز با شدت بیشتری زیر فشار قرار میدهد، دولت به جای پاسخ‌های قانع‌کننده به مردم و توضیح اینکه چه راه‌حلهایی برای این همه مصائب و مشکلات مردم دارد، باز هم باز دیت کردن یک سری آمار و ارقام کلی و مبهم از زبان آقای هادلی رئیس بانک مرکزی - آنهم مربوط به سال ۷۰، مدعی پیشرفت و بهبود در اوضاع اقتصادی کشور شده است. بطوریکه اقتصاد کشور در حال رونق است و به رشدی فراتر از هدف‌های پیش‌بینی شده دست یافته است.

هادلی در گفتگویی با خبرنگاران در تشریح وضع اقتصادی کشور در سومین سال اجرای برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی می‌گوید: تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۹/۹ درصد در سال ۷۰ رشد داشته است. هادلی می‌گوید متوسط رشد ارزش افزوده در بخش کشاورزی در سال گذشته ۶/۶ درصد، در بخش صنعت ۲۰/۶ درصد بوده که هر دو ارقامی بالاتر از پیش‌بینی برنامه ۵ ساله است. تعداد موافقت‌نامه‌های اصولی صادر شده از سوی وزارتخانه‌های صنایع سنگین و صنایع در سال ۷۰ به ترتیب ۱۵۸ و ۴۰ درصد رشد داشته است. بگفته هادلی صادرات غیر نفتی در سال ۷۰ به رقم بی‌سابقه ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده که با ۹۰ درصد رشد نسبت به سال ۶۹ روبرو بود. هادلی می‌گوید درآمدهای مالیاتی دولت نیز رشد داشته و



مراقبت جنوب

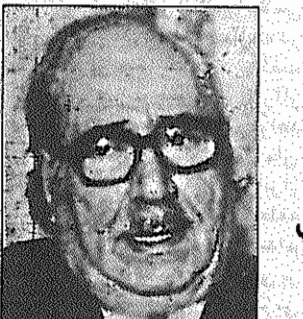
وزیر کار: نرخ بیکاری در حال افزایش است

دبیر کل خانه کارگر: ورود بی‌رویه کالاهای خارجی تولیدات ملی را تهدید می‌کند

علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر در جریان بازدید از تشکیلات خانه کارگر در همدان نسبت به خطر تعطیل کارخانجات برخی رشته‌های تولید داخلی هشدار داد. وی گفت: «کارخانجات نساجی و صنایع تولیدی لوازم خانگی به دلیل سرازیر شدن اجناس مشابه خارجی و اشباع کامل بازار مصرف با خطر تعطیل مواجه هستند» وی بعنوان نمونه از انبار یک واحد تولیدی نام برد که در آن بیش از ۱۵ هزار دستگاه تلویزیون سیاه و سفید، روی دست مانده است.

دبیر کل خانه کارگر افزود: «با ورود بی‌ضابطه انواع محصولات نساجی خارجی تولیدات داخلی منسوجات به لحاظ افت شدید قیمت و ناتوانی در عرضه رقابت با انواع مشابه محصولات نساجی خارجی با وقفه و رکود در امر تولید روبروست و در صورتی که کنترل سریع و مؤثری در محدودیت ورود این اقسام اعمال نشود، فعالیت این واحدها متروک به صرفه نخواهد بود.» محبوب ضمن اشاره به هجوم سیگارهای خارجی به کشور گفت: «با ادامه

ادامه در صفحه ۲



در گذشت استاد محیط طباطبائی

فارسی تشییع و در کورستان ابن باویه به خاک سپرده شد. استاد طباطبائی در سال ۱۲۸۱ در «زواره» دنیا آمد و تحصیلات خود را در زادگاهش و سپس اصفهان و تهران ادامه داد. سالها در مدارس، موسسات و دانشگاههای کشور به تدریس و دوستداران فرهنگ و ادب

استاد محمد محیط طباطبائی نویسنده، پژوهشگر و مورخ مشهور، شورش روز سشنه ۲۷ مرداد ماه در سن ۹۰ سالگی در بیمارستانی در تهران در گذشت. جنازه استاد طباطبائی روز چهارشنبه با حضور گروه بزرگی از استادان و پژوهشگران و دوستداران فرهنگ و ادب

طرح پرواز ممنوع در جنوب عراق به اجراء آمد

ادامه از صفحه ۱

عراق تلاش می‌کند و سوریه همیشه با چنین تلاشی مخالف بوده است. هم‌روموسی وزیر خارجه مصر نیز در انتقاد از طرح آمریکا و متحدانش در مورد عراق گفت: هیچ تصمیمی در مورد عراق نباید به حثیت و وحدت ملی عراق لطمه بزند.

جمهوری اسلامی ایران در برابر طرح پرواز ممنوع در جنوب عراق از واکنش صریح خودداری کرد و اجلاس شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی که روز ۳۱ مردادماه تشکیل گردید، تنها بر خواست ایران برای حفظ تمامیت ارضی عراق تأکید کرد. در حالیکه ترکیه طرح منطقه ممنوعه هوایی را بشدت محکوم کرد. وزیر خارجه ترکیه قرب را متهم به در پیش گرفتن سیاست دوگانه‌ای کرد و گفت: در حالیکه قرب در دفاع از مسلمانان بوسنی هرزه‌گوین بی‌همی پیشان کرده، به تهدیدات تازه‌ای علیه عراق متوسل می‌شود. وزیر خارجه ترکیه تأکید کرد که ترکیه به نقش جدید در مقابل عراق نخواهد پیوست.

یکی از مشاوران امور خاورمیانه‌ای وزارت خارجه آمریکا در واکنش نسبت به نگرانی کشورهای منطقه که بسیاری از آنها جزو "دوستان" آمریکا در منطقه محسوب می‌شوند، اعلام کرد: واشینگتن خواهان تجزیه عراق نیست، بلکه هم‌چنان خواستار کنار رفتن صدام حسین از قدرت است. او در مورد طرح پرواز ممنوع متحدان در جنوب عراق گفت سیاست آمریکا بر تقسیم عراق مبتنی نیست.

دولت عراق طرح منطقه ممنوعه در جنوب عراق را یک طرح "استعماری" نامید و وزیر خارجه عراق از دبیرکل سازمان ملل خواست جلوی این تجاوز جدید به عراق را بگیرد. سفیر عراق در جامعه ملل واشینگتن را متهم کرد که دنبال بهانه برای حمله مجدد به عراق است و پس از اینکه بازرسی اخیر سازمان ملل بهانه‌ای بدست نداد، اکنون به بهانه شیعیان متوسل شده است. آخرین واکنش دولت عراق پس از اعلام رسمی طرح پرواز ممنوع در جنوب عراق این بود که اعلام کرد جنگنده‌هایش در صورت تعدید ایران در منطقه به پرواز در خواهند آمد.

بر خلاف واکنش منفی و انتقاد آمیز اقلب کشورهای منطقه نسبت به اقدام متحدان غربی در جنوب عراق، مخالفان داخلی همده صدام حسین از طرح منطقه امن پشتیبانی کردند. باقر حکیم رهبر "مجلس‌اللهی انقلاب اسلامی عراق" از ایجاد منطقه ممنوعه در جنوب عراق حمایت کرد و گفت این طرح اعراب جنوب عراق را از حملات رژیم بعثی حفظ خواهد کرد. یکی از رهبران "سازمان امل اسلامی عراق" ابراز امیدواری کرد که اعلام منطقه امن مقدمه سقوط رژیم صدام حسین و ایجاد حکومتی مبتنی بر دموکراسی و نظام چند حزبی باشد.

جلال طالبانی یکی از رهبران کردستان عراق نیز ضمن حمایت از طرح آمریکا و متحدانش گفت: خود ما این تقاضا را کردیم. ما بعنوان ایوژیسیون عراق این امر را از آمریکا، انگلستان و فرانسه خواستیم. ما گفتیم که خواهان یک منطقه امن برای

برادرانمان در جنوب، شبیه آنچه که در شمال عراق وجود دارد، هستیم. ما حتی خواستار آن شدیم که نه تنها نیروی هوایی، بلکه نیروی زمینی و زرهی عراق را هم به جنوب عراق راه ندهند که به برادران ششماه حمله کنند. زیرا دولت عراق یک جنگ نابود کننده علیه برادران ما در جنوب آغاز کرده است. ما فکر می‌کنیم ایجاد این منطقه باعث می‌شود نیروهای مخالف صدام حسین رشد کنند و سرنگونی او نزدیکتر شود. اظهارات رهبران گروه‌های مخالف عراق نشان می‌دهد که متحدین غربی قصد تشدید فشار علیه صدام حسین را کرده‌اند. سخنان اخیر عبدالله بشاره دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس نیز همین مسئله را تأیید می‌کند. بشاره دو هفته قبل از این پیش‌بینی کرد که "صدام حسین بزودی سرنگون خواهد شد". او گفت: رژیم صدام نمی‌تواند مدت زیادی سرکار باقی‌ماند و اضافه کرد برای مقابله با هر گونه دخالت نظامی در منطقه، یک نیروی ویژه با شرکت کشورهای عضو

نیز می‌شود که با وضع فعلی، ذخائر نفتی آن برای غرب بلااستفاده مانده است. علاوه بر

آن، سرپاماندن صدام حسین در بغداد و "شرارت‌های او" آثار "تهرمانی" بوش در جنگ علیه صدام را در افکار عمومی مردم آمریکا زایل کرده است. این عوامل مشوق آن بوده که آمریکا و هم‌نیستور متحدانش چه در غرب و چه در منطقه از بعد از پایان جنگ تاکنون هیچگاه "آینده عراق" و سرنوشت رژیم مستقر در آن کشور را پایان یافته تلقی نکنند و برای برکناری صدام طرح و نقشه بریزند. این اواخر این تلاشها چه از جانب آمریکا و چه از جانب برخی دولت‌های منطقه افزایش یافته بود. مشکل آمریکا در این تلاشها تاکنون این بود که "جانشین دلخواه" برای صدام وجود ندارد. هم‌اکنون نیز از نظر آمریکا و هم‌پیمانانش این جانشین وجود ندارد. هلینر فم روی خوشی که آمریکا اخیرا به برخی از مخالفان صدام نشان داده، هنوز ال‌ترناتیو مورد نظرش را پیدا نکرده است. بنظر می‌رسد که فشارهای اخیر علیه صدام از جانب آمریکا روی این حساب است که شاید منجر به اقدامی از درون رژیم عراق علیه صدام حسین



شورا و مصر و سوریه تشکیل می‌شود. همچنین یک روزنامه آمریکایی نوشته است "انگیزه آمریکا از ایجاد منطقه امن در جنوب عراق تحریک و تشویق مخالفان داخلی صدام حسین به قیام علیه رژیم بغداد است". انجام این اقدامات علیه صدام از جانب جرج بوش در مقطع کنونی قطعاً با مبارزه انتخاباتی در آمریکا و هلاکه بوش به استفاده از این مسئله برای راهیابی مجدده کاخ سفید مربوط است. اما اصل ماجرا همان "مسئله آینده عراق" است که از هنگام پایان جنگ خلیج فارس تا به امروز هم برای متحدین غربی و هم برای کشورهای منطقه و همسایگان عراق لاینحل مانده است. نگرانی آمریکا و متحدانش در جنگ خلیج فارس از پیامدهای سقوط صدام حسین در شرایط فقدان "جانشین دلخواه"، آنها را از ادامه جنگ تا سقوط صدام بازداشت. اما از طرف دیگر با ادامه حضور صدام حسین در قدرت، سایه تهدید وی - هرچند امری فرضی - بر سر همسایگانی چون کویت و عربستان باقی ماند. برای آمریکا و متحدان غربی‌اش، ثبات و امنیت این دو کشور بعنوان متحدان وفادار برای تضمین جریان ارزان و آزاد نفت مورد نیاز دنیای غرب اهمیت اساسی دارد. این مسئله شامل خود عراق

انجمن‌های اسلامی احیا میشوند

ادامه از صفحه ۱

خامنه‌ای هم‌چنان وظیفه خیردهی را برعهده انجمن‌های اسلامی گذاشته است. او صریحاً اعلام کرد: "انجمن‌های اسلامی چشمی هستند از مرکزیت نظام در همه بخش‌های نظام. چشم بینا، زبان گویای اسلامی و انقلاب هستند در مناطق مختلف این نظام". او وظیفه شناسایی کسانی که دشمن تراشی می‌کنند و نارضایتی می‌آفرینند و یا اینکه کار نمی‌کنند و یا روشه میگیرند و یا در کارها اختلال ایجاد می‌کنند، را به انجمن اسلامی سپرد. در همین حال او خطاب به انجمن‌های اسلامی گفت: "عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کنند باهاش مقابله کنید. با گفتار، با سخنرانی، با بخش جزوات مناسب، با تذکر. با این روش‌ها کاری کنید که فضا، فضای اسلامی بشود." خامنه‌ای در این سخنرانی مجدداً هدایت و سازماندهی انجمن‌های اسلامی را جزو وظایف "سازمان تبلیغات اسلامی" دانست.

این سخنان نشان می‌دهد که خامنه‌ای با احیا و فعال کردن انجمن‌های اسلامی می‌خواهد ادارات و واحدهای تولیدی را تا آنجا که مقدور است به‌وضع پیشین برگرداند و نیروی رژیم را در این مکان‌ها تقویت و زنده نگاه دارد. خامنه‌ای قبل از این نیز، در دیدار با جمعی از مسئولین، نویسندگان و کارکنان دستگاه‌های فرهنگی، هنری، تبلیغی و خبری، سخنرانی مبسوطی در مورد تعاجم فرهنگی ایراد نموده بود. او در این سخنرانی کوشید که از "تعاجم فرهنگی" مفهوم وسیعتری را ارائه دهد. تا بسجی‌ها آن را در حمله به زنان منحصر نکنند. او گفت: "تعاجم فرهنگی بدان معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسیر کردن یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد."

خامنه‌ای تعاجم فرهنگی را به دوره قبل از مشروطیت امتداد داده و گفت که غرب از راه روشنفکری وارد جامعه ما شد: "از طریق عناصر خودفروخته‌ای

مثل میرزا ملک‌خان‌ها و تقی‌زاده‌ها اقدام کرد. جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته شد... بعضی از آنها وابسته به روسیه بودند مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده و بعضی دیگر وابسته به اروپا و غرب مثل میرزا ملک‌خان و امثال او". به نظر او این تعاجم فرهنگی در دوره سلطنت پهلوی ادامه یافت تا اینکه انقلاب اسلامی آمد و تعاجم را متوقف کرد. مردم در دوان اول انقلاب ظرف مدت کوتاهی تغییرات اساسی در خلقیات احساس کردند. در این مدت یک نوع توجه خاص به اسلام و فرهنگ و اخلاق و خلقیات اسلامی که در ضمیر مردم ما بود دوباره زنده شد. به گفته او این گرایش حقیقی نبود و وقتی این گرایش فوق پیدا می‌کند که چند سال روی آن کار بشود ولی فرصت این کار پیش نیامد. همان تعاجم به تدریج از سر گرفته شد. اما حرارت جنگ باز در مقابل این تعاجم نوعی مانع بود. بعد از جنگ این جبهه جدید به شکل جدی‌تری مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فمید که جمهوری اسلامی را با تعاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. همینطور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود کاری کرد. لذا فهمیدند که باید عقبه ما را بمباران کنند. عقبه ما عبارت از فرهنگ ما بود. بعد از جنگ محیط مناسب بود، چرا که کوره گذاخته جنگ جوانان را به خود مشغول می‌کرد و گوش او به حرف‌های دشمن بدکار نبود ولی وقتی این کوره خاموش شد، محیط برای آنها آماده شد و لذا دشمن به‌طور وسیع شروع به تعاجم کرد."

خامنه‌ای می‌گوید که مناسب نبودن حجاب همده‌ای از زنان مسئله اصلی نیست. مسئله اصلی چیزی است که در خیابان و کوچه دیده نمی‌شود و آن صدای فروریختن ارزش‌های معنوی که ناشی از تعاجم پنهان و زیرکانه دشمن است. این اظهارات نشان می‌دهد که تحلیل خامنه‌ای از مسئله

نرخ بیکاری در حال افزایش است

ادامه از صفحه ۱

این روند تعطیلی دخانیات دوران ذهن نیست. وی تأکید کرد که: "از جمله خطرات بزرگی که تولیدات ملی کشور را تهدید می‌کند، ورود کالاهای خارجی است که هموما توسط رقبای خارجی با موانع اندکی وارد بازار می‌شوند." دبیرکل خانه کارگر در قسمت دیگری از سخنانی به تلاش‌هایی که علیه قانون کار صورت می‌گیرد اشاره کرد و گفت: "تبلیغات منفی و نابجایی در گوشه و کنار کشور علیه این قانون به راه انداخته‌اند و متأسفانه بعضی از مدیران نیز به آن دامن می‌زنند و بعضی‌ها قانون کار را با قانون تجارت اشتباه گرفته‌اند." وی افزود: "بر خلاف اظهار نظراتی که از سوی پاره‌ای از جریانات در جامعه عنوان می‌شود، این قانون به هیچ وجه در تولید اثرات منفی نداشته و اگر به اندازه کافی مورد حمایت قرار نگیرد قادر خواهیم بود که کارگران را در جریان تولید نگه داریم." محبوب "یکی از روزنامه‌های عصر" و "بعضی از مسئولین اقتصادی" و

فرهنگی تنها در "توطئه دشمن" خلاصه می‌شود. او کوچکترین اشاره‌ای به تعجز فرهنگ اسلامی در رابطه با دیگر معنوی جامعه نمی‌کند.

در این موجی که توسط خامنه‌ای و هم‌فکران او راه افتاده است. مسئله سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در ایران، مسئله متخصصین، کنترل قیمت‌ها به موضوعات مورد جدل تبدیل شده است. روزنامه‌های رسالت، جمهوری اسلامی و کیهان در رابطه با موضوعات بالا سیاست‌های رفسنجانی و موضع‌گیری‌های وزارت‌ها را به نقد می‌کشند. خامنه‌ای نیز در دیدار با رفسنجانی و هیئت دولت به مناسبت "هفته دولت" به مسائل اقتصادی پرداخت و گفت که اقتصاد آزاد سخن قربی‌هاست و ما در پی غرب نیستیم بلکه بنابر اقتضای جامعه و نظام خود مشی صحیح اسلامی را دنبال می‌کنیم. باید با کسانی که بر اساس عدم نظارت، قیمت‌ها را گران می‌کنند و با آن کبوض مصنوعی ایجاد کرده و "موجبات آزار و اذیت مردم را فراهم می‌آورند، مبارزه کرد و دولت در این بخش‌ها باید اقتدار خود را نشان دهد. بخش‌های اقتصادی کشور باید تلاش خود را در جهت مبارزه با گزانی متمرکز کنند.

رد اقتصاد آزاد و تأکید بر کنترل قیمت‌ها توسط خامنه‌ای، در حقیقت به معنی نفی مشی "تعدیل اقتصادی" است که دولت رفسنجانی پیش می‌برد. خامنه‌ای در این سخنرانی نیز بر حمایت دولت از متخصصین مذهبی تأکید گذارد و از رفسنجانی خواست که در دستگاه دولتی و دانشگاه‌های نیروی مومن و کارشناسان متعهد به کار گرفته شوند. سخنرانی اخیر خامنه‌ای، در رابطه با سیاستی که او می‌خواهد پیش ببرد، حساب شده و خط دهنده بود. او بر آنست که حدود و ثغور مشی مورد نظر او هم برای مجریان دولتی و هم انجمن‌های رده اسلامی و حزب‌اللهی‌های رده پایین روشن شود و جنبه اجرایی مستمر به خود گیرد. او می‌کوشد باتامین نفوذ و نقش فائقه حزب‌اللهی‌ها در نهادها، با ایجاد و بروز تنش‌های حاد در دستگاه‌های دولتی همراه نباشد.

کارگران باشد، که اسباب است، اما رسماً تفاوتی با دیگر بانک‌ها ندارد."

از سوی دیگر کمالی وزیر کار و امور اجتماعی طی مصاحبه‌ای اعلام کرد نرخ رشد بیکاری، به عنوان یکی از مشکلات حاد جامعه و کارگران رویه افزایش است. وی گفت: "در حالی که سالانه باید ۴۵۰ هزار نفر وارد بازار کار شوند، ۳۵۰ میلیارد ریال اعتبار اختصاص داده شده است که این امر تنها برای آموزش و ایجاد کار برای ۳۵ هزار نفر کفایت می‌کند." کمالی افزود: مسئله اشتغال در ایران مسئول مستقیمی ندارد و وزارت کار و امور اجتماعی تنها نقش کارایی را به‌عهده دارد. به گفته وزیر کار تا زمانی که مسئله اشتغال بطور جدی مورد توجه و برنامه ریزی دقیق قرار نگیرد، این مشکلات بصورت روزافزون ادامه خواهد یافت. وزیر کار که در رشت در یک سمینار مربوط به اشتغال سخنرانی میکرد میزان بیکاری و نرخ رشد آن را فاش ساخت. اما مسئولین استان گیلان اعلام کردند، نرخ رشد بیکاری در این استان به ۱۸/۲ درصد رسیده است.

روزنامه سلام:

سیاست های اقتصادی رفسنجانی شکست خورده است

بدنبال اعلام مرحله دوم سیاست تعدیل اقتصادی از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه، روزنامه سلام طی یادداشت های اقتصادی خود، اعلام این مرحله را اعلام شکست سیاست های اقتصادی رفسنجانی ارزیابی کرد. این روزنامه در یادداشت اقتصادی روز ۲۱ مرداد خود نوشت: «در مرحله دوم، سیاست قیمت گذاری به عنوان یکی از محورهای اصلی مورد توجه قرار گرفته است و این در حالی است که در ابتدای شروع سیاست های تعدیل اقتصادی در ۳ سال پیش همین مجریان اصرار داشتند که قیمت گذاری شکست خورده و کاملاً باید کنار گذاشته شود.»

روزنامه سلام تصمیمات مربوط به مرحله دوم سیاست تعدیل اقتصادی را بیشتر «سیاسی» و کمتر «اقتصادی» و آنها را کاملاً در جهت مخالف سیاست های مرحله اول ارزیابی نمود و نوشت: «در یک جمع بندی می توان گفت که آنچه به عنوان سیاست های

اقتصادی مرحله دوم اعلام شده است، نوعی بازگشت به گذشته و قبل از «اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی» است، گذشته ای که در ۳ سال اخیر مرتب شکست خورده لقب گرفته است.» روزنامه سلام اظهار نظر کرده است: «ما معتقدیم که اجرای مرحله دوم نیز مشکل تولید و توزیع را حل نخواهد کرد، چرا که اصولاً چارچوب «سیاست تعدیل اقتصادی» را برای ایران کافی نمی دانیم و معتقدیم که فارغ از الگوهای کلیشه ای و با توجه به شرایط ایران برای سیاست های اقتصادی باید برنامه ریزی شود.»

روزنامه سلام در یادداشت دیگری بنام «سیاست تعدیل سرمایه گذاری»، ضمن رد ادعاهای سازمان برنامه و بودجه در مورد رشد سرمایه گذاری و با اتکا به آمارهای بانک مرکزی مدعی شد که روند سرمایه گذاری هم از سوی بخش خصوصی و هم بخش دولتی در ۳ سال اخیر منفی بوده است. این روزنامه هم

موفقیت دولت در جلب بخش خصوصی به سرمایه گذاری و شرکت در روند تولید را یکی از بارزترین نشانه های شکست سیاست «تعدیل» نامید.

عباس همدی سردبیر این روزنامه، در سخنرانی در اردوی سراسری اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور این ارزیابی ها را به طور صریح تری مورد تاکید قرار داد و گفت: «آقای هاشمی مهمترین برنامه اش اقتصادش هست که متأسفانه باید گفت با شکست مواجه شده است.» وی در توضیح این نتیجه گیری افزود: «برنامه هایشان به شدت انتزاعی بود. من شخصاً موافق سیاست های تعدیل اقتصادی هستم ولی این کاری که اینها کردند اساساً خیلی انتزاعی بود. به هیچ وجه برای مسئله نقدینگی فکری نکرده بودند. برای عوارض سیاسی - اجتماعی آن فکر نکردند، کلاً سیاست های وارداتی آنها اشتباه هست و ضربه زد. سیاست های تسهیلات ارزی شان و بخصوص

در حاشیه رویدادها

مشکل «مرجع تقلید»

تعیین «مرجع تقلید» بعد از فوت آیت الله خویی مسائلی را در بین روحانیون بوجود آورده است. بگفته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مردم مسلمان، مکرراً به این جامعه مراجعه کرده و کسب تکلیف نموده اند. مدرسین حوزه علمیه قم در این رابطه تشکیل جلسه داده و به این نتیجه رسیده است که: «با وجود حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و حضرت آیت الله العظمی اراکی رجوع به یکی از دو بزرگوار تعیین دارد.» ولی نظر: «اکثریت جامعه بر تعیین حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی است.»

در اواخر حیات خمینی برای حل مشکل ولی فقیه، تغییراتی در قانون اساسی مبنی بر جدایی رهبری از مرجعیت داده شد. این تغییرات راه را برای تعیین خامنه ای به عنوان رهبر توسط مجلس خبرگان باز کرد. مجلس خبرگان خامنه ای را به عنوان رهبر و آیت الله اراکی را به عنوان مرجع تقلید معین کرد و قرار شد که وجوهات اسلامی، در اختیار او قرار گیرد. در آن زمان با توجه به مخالفت های گلپایگانی با برخی از قوانین مصوب مجلس و سیاست های جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان از مرجعیت او سخنی به میان نیاورد. اما جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم با نظرات گلپایگانی موافقت داشت. در همین حال با فوت آیت الله خویی، مسئله یکی شدن مرجع و رهبر برای برخی از مسئولین حکومتی مطرح شده است. یزدی امام جمعه موتت تهران و رئیس قوه قضاییه در خطبه نماز جمعه اظهار داشت که بعد از رحلت آیت الله خویی: «فلاً، علماً و روحانیون تکلیف مردم را بخوبی روشن نکرده اند. دستگاه حکومتی و بخش قضایی حکومت اسلامی که مستند به فتوی است از چه کسی باید تقلید کند آیا از فیرحاکم تقلید کند یا از حاکم تقلید کند؟ او اضافه کرد: «فتیهای که مسئولیت امت اسلامی را به عهده دارد رهبری ایشان مانع مرجعیت نیست و نباید تصور شود کسانی که در حوزه هستند حق تقدم دارند.» جنتی نیز در خطبه نماز جمعه بر همین نکته دست گذاشته بود: «نمی شود از یک رهبر بخواهید که حکومت اسلامی را اداره کن ولی وجوهات امت اسلامی در سراسر کشور پخش شود.» هنوز معلوم نیست که این گرایش در بین روحانیون و اعضای مجلس خبرگان چقدر نیرو دارد و آیا تعیین مرجع تقلید توسط مدرسین حوزه علمیه قم مورد پذیرش سایرین خواهد بود یا نه؟

بازداشت اصفرزاده

شدیدخامنه ای شد با این وجود اصفرزاده در نطق بعدی اش در مجلس هم چنان از مواضع خود دفاع نمود. او جزو جناح تندرو در مجلس بود و از «آزادی بیان و مطبوعات» و «جمهوریت» دفاع می کرد. اصفرزاده در بین دانشجویان پیرو خط امام و جناح تندرو از اعتبار برخوردار بود. در انتخابات اخیر مجلس شورا، صلاحیت اصفرزاده و چندتن از یاران او توسط شورای نگهبان رد شد و آنها نتوانستند در انتخابات شرکت جویند. هلت رد صلاحیت او، سخنرانیها و مواضعش در مجلس شورا بود. گرچه خبر و هلت دستگیری او توسط مسئولین حکومت اعلام نشده است ولی به نظر می رسد وی به خاطر مواضع و اقداماتش بازداشت شده باشد.

توقف درج خاطرات خلخالی در روزنامه سلام

حول روزنامه سلام و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تمرکز یافته است. تمایزات آشکار و وسیعی شکل گرفته است. جریان اول هم چنان بر مواضع سرکوب گرانه، کور و حزب الهی تاکید دارد و از آن موضع با مسائل جامعه برخورد می نماید. محتشمی مدتی قبل اعلام کرد که در صدد تشکیل «حزب الله» است. اما جریان دوم از مواضعی که مشخصه جناح تندرو بود، فاصله گرفته و در مورد برخی مسائل از جمله «آزادی بیان و مطبوعات»، «منشأ مشروعیات نظام»، «جمهوریت» به دیدگاه های جدیدی دست یافته است. بین آنها به جهت دیدگاهی و مواضع شفاف جدی وجود آمده است.

ادامه نقض حقوق بشر در ایران محکوم است

مخفیانه نیز ابایی ندارد. مقاومت مردم در برابر زور و بیادگری رژیم در همه جا ادامه دارد. گزارش های متعدد حاکی است که مردم در برابر چماقی که بنام نعی از منکر بر سر آنان فرود می آید مقاومت می کنند و به ویژه اذیت و بازداشت زنان با عکس العمل های اعتراضی مردم روبروست، بسیاری از این اعتراض ها به تظاهرات کوچک و بزرگ تبدیل می شود. طی چند هفته اخیر علاوه بر تظاهرات گسترده مردم یاف آباد و جعفرآباد تظاهرات دیگری در شهرهای اردبیل و سلماس برپا شده است. آغاز کننده تظاهرات سلماس نیز معلولین جنگی بوده اند که علیه گرانی کمرشکن به خیابان ها آمدند.

رژیم در پاسخ به مردمی که از گرسنگی و بی خانمانی تظاهرات بزرگ شهرهای شیراز، اراک و مشهد را به راه انداختند، نیروهای بسیج را به خیابان ها کشاند و با قسارت و بی رحمی و بنام «نهی از منکر» در صدد سرکوب آنان برآمد. اما اینک تعدیات روزمره چماقداران رژیم در کنار فقر و گرانی و بی خانمانی انگیزه تازه ای در جهت مقاومت و اعتراض مردم فراهم آورده است. تظاهرات در تهران، کرمانشاه، شکنجه و خطر اعدام های تازه آنها را تهدید می کند. رژیم که به سرکوب خونین و کشتار مردم به جان آمده کمر بسته، از شکنجه های وحشیانه و اعدام های

در گذشت استاد محیط طباطبائی

اشغال داشت. سپس به فعالیت های پژوهشی روی آورد و در زمینه ایران شناسی و فرهنگ و ادب ایران خدمات فراوانی عرضه کرد و در کنار آن به فعالیت های روزنامه نگاری نیز می پرداخت. از استاد طباطبائی بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب و صدا سخنرانی و گفتار چاپ شده است. از جمله این آثار می توان از «دوران نادر»، «تاریخ تحول نثر فارسی»، «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»، «زایندرانات تاگور»، «مجموعه آثار میرزا ملکم خان»، «جغرافیای نو»، «زندگی نامه فردوسی» نام برد. «کار»، «نقدان استاد محیط طباطبائی را به دوستان و آشنایان مرحوم و همه خدمتگزاران فرهنگ و ادب ایران تسلیت می گوید.

تظاهرات مردم در تهران و کرمانشاه

مردم، واحدهای ضربتی سپاه پاسداران را به محل حادثه اعزام کردند و آنان به قصد برهم زدن تجمع مردم به روی آنان آتش گشودند. بر اثر تیراندازی پاسداران یک تن دیگر کشته و تعدادی از مردم مجروح شدند. جنایت تازه پاسداران جرقه ای بر آتش خشم مردم شد. هزاران تن از اهالی شهرک به خیابان ها ریختند و با دادن شعارهایی علیه گرانی و سرکوب پاسداران به نبرد برخاستند. برخی گزارش ها حاکی است که تعدادی از مردم با تعصبات شتاری و اسلحه های پنهان شده از زمان جنگ به مقابله با پاسداران پرداختند. بدنبال بالا گرفتن دامنه تظاهرات، صداهای دیگر از مامورین مسلح رژیم به شهرک هجوم آوردند. تظاهرات و زود خورد تا شروب یکشنبه ادامه یافت. در جریان این درگیری ها گروهی از مردم و هم چنین تعدادی از نیروهای انتظامی کشته و مجروح شده اند.

از روز دوشنبه شهرک جعفرآباد به اشغال پاسداران درآمد و آنها با جستجوی خانه به خانه بیش از ۴۰۰ نفر را دستگیر کردند. از سرنوشت دستگیرشدگان تظاهرات مردم تهران و کرمانشاه اطلاعی در دست نیست. شکنجه و خطر اعدام های تازه آنها را تهدید می کند. رژیم که به سرکوب خونین و کشتار مردم به جان آمده کمر بسته، از شکنجه های وحشیانه و اعدام های

ادامه از صفحه ۱

شدند. تظاهرات تا نیمه های شب ادامه یافت. از بامداد ۵ شبه دستگیریهایی گسترده توسط عوامل وزارت اطلاعات و پاسداران آغاز شد و نیروهای مسلح رژیم با یورش به خانه ها و جستجوی خانه به خانه تعداد نامعلومی را دستگیر کردند. دستگیرشدگان به «کمیته مشترک» در میدان توپخانه و زندان اوین منتقل شدند. گزارش های رسیده حاکی از آن است که تعدادی از تظاهرکنندگان که به وسیله گلوله مجروح شده بودند، به بیمارستان های اطراف محله یاف آباد انتقال یافتند. نیروهای انتظامی تا چند روز پس از تظاهرات خیابان های یاف آباد را تحت کنترل شدید قرار دادند.

۴ روز پس از تظاهرات در یاف آباد تهران، مردم محله جعفرآباد کرمانشاه نیز به تظاهرات دست زدند که توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به خون کشیده شد. بنا به گزارش خبرنگار فوتی، درگیری در محله جعفرآباد بدنبال دخالت نیروهای انتظامی در یک نزاع شخصی و کشته شدن یک جوان به دست آنها روی داد. چند صد تن از اهالی شهرک جعفرآباد در اعتراض به قتل این جوان در محل حادثه اجتماع کرده و ضمن دادن شعار علیه تاتلان خواهان مجازات آنها شدند. مسئولین منطقه به جای اجابت خواسته

ادامه از صفحه ۱

اقتصادی مورد ادعای آقای عادل، می دهد. گزارش های اقتصادی انتشار یافته از سوی منابع فیردولتی حاکیست که درآمدهای دولت کفاف هزینه های آن را نمی دهد و اوضاع اقتصادی کشور وخیم است. عادل میگوید که ایران بدهی خارجی ندارد، اما منابع مختلف، از افزایش بدهی خارجی جمهوری اسلامی و تاخیر آن در بازپرداخت این بدهی ها خبر می دهند. این مسئله موجب آن شده که تضمین اعتبارات برای

رونق اقتصادی یا فلاکت اقتصادی؟

معاملات بازرگانی با جمهوری اسلامی کاهش یابد. عادل در گزارش خود با آمار و ارقام نشان میدهد که در همه زمینه ها شاخص های رشد از ارقام پیش بینی شده در برنامه ۵ ساله فراتر رفته است. اما همین بنفته گذشته حیثیتی معاون اول رئیس جمهوری - هر چند در قالب حملات کلی - اعتراف کرده که در مواردی پیش بینی های آنها در برنامه ۵ ساله درست از آب در نیامده اند. هم اکنون به دلیل پایین بودن

ادامه از صفحه ۱

بهای نفت - کمتر از میزان پیش بینی شده در بودجه امسال و نیز منابع ارزی برنامه ۵ ساله - دولت با مشکلات جدی برای تامین درآمدهای پیش بینی شده برای سال جاری روبروست. سال گذشته نیز وضع به همین صورت بود. در نتیجه دولت با بدهی و کسری تراز پرداخت های خارجی مواجه بود. تمام بار این وضعیت نابسامان، با سیاست های اقتصادی که دولت در پیش گرفته مستقیماً بر دوش توده های مردم منتقل شده و زندگی و معیشت آن را بیش از پیش زیر فشار قرار می دهد.

از میان رویدادها

ایران و انگلیس:
اخراجهای متوالی

در ادامه تشنج تازه‌ای که میان جمهوری اسلامی و دولت انگلیس پدید آمده است، دو طرف دست به اخراج تعداد بیشتری از وابستگان دو کشور از خاک خود زدند. به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه ایران با احضار کاردار انگلیس در تهران، در تاریخ ۲۴ مردادماه، خواستار اخراج ۳ تن از اتباع انگلیس بنامهای راجوواروگیز، آلن چارلز کوردیر و ویلیام برتی‌بی شد. دلیل این تصمیم مبادرت این ۳ تن به "اعمال غیرقانونی" اعلام شد. اخراج این ۳ تن بدنبال آن صورت گرفت که وزارت امور خارجه انگلیس "هلی رجوی" یکی از دیپلماتهای جمهوری اسلامی از این کشور را اخراج کرد. پیش از اخراج رجوی، انگلیس دو دیپلمات و یک دانشجوی دیگر ایرانی را نیز اخراج کرده بود. این اخراجها پاسخی بود به اخراج "جفری برامر" دبیر سوم سفارت انگلیس در تهران که ظاهراً به دلیل انجام یک مسابقه ورزشی با یک خلبان غیر نظامی از تهران صورت گرفت. گفته می‌شود یکی از دلایل تیره‌گی مجدد مناسبات دو کشور کماکان موضوع "مسلمان رشدی" است.

توافق‌های تجاری

هفته گذشته دو شرکت نفتی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بر سر معاوضه نفت خام تولیدی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیدند. بر اساس این توافق قرار است جمهوری اسلامی نفت تولیدی جمهوری آذربایجان را تحویل و همان میزان نفت را در خلیج فارس تحویل شرکت‌های آمریکایی بدهد. ایران نفت تحویلی جمهوری آذربایجان را در پالایشگاه تبریز مورد استفاده قرار خواهد داد. تاکنون نفت این پالایشگاهها از جنوب تامین می‌شد. در عوض شرکت‌های نفتی آمریکایی نیز هزینه انتقال نفت جمهوری آذربایجان تا خلیج فارس را صرفه‌جویی نموده و نفت تحویلی جمهوری آذربایجان به ایران را با همان کیفیت در خلیج فارس تحویل خواهند گرفت. از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که صادرات برنج و ذرت آمریکا به ایران از سر گرفته شده است. صدور برنج و ذرت از آمریکا به ایران در ده سال گذشته متوقف بوده است. شرکت "رایسلندفورد" اعلام کرده است که در آغاز فعالیت تجاری با ایران ۸۵۰ تن برنج به ایران فروخته است. مسئولان این شرکت ایران امیدواری کرده‌اند که این معامله آغاز روابط تجاری وسیعی با ایران در آینده باشد.

اظهارات ضد و نقیض
پیرامون ابطال دفترچه‌های بسیج

در حالیکه بسیاری از مردم حذف دفترچه‌های بسیج اقتصادی را مقدمه حذف کالاهای کوپنی میدانند و این موضوع نگرانیهایی را دامن زده است، مسئولین رژیم مسئولیت حذف دفترچه‌ها را به گردن یکدیگر میاندازند. تصمیم به حذف دفترچه‌ها را مسعود روحانی زنجانی رئیس سازمان برنامه و بودجه روز ۱۸ مرداد ماه اعلام کرد. وی در مصاحبه خود تصریح کرد که دفترچه از این تاریخ (۱۸ مرداد) از درجه اعتبار ساقط است. یک هفته بعد از این تصمیم وزیر بازرگانی اعلام کرد: ابطال دفترچه‌های بسیج اقتصادی از سوی آقای روحانی زنجانی، رئیس سازمان برنامه و بودجه بدون هماهنگی وزارت بازرگانی صورت گرفته است. وی اعلام کرد این دفترچه‌ها برای وزارتخانه‌ها و

تشنج در دانشگاه بهشتی

اختلاف میان انجمن‌های اسلامی دانشگاه بهشتی با مدیریت این دانشگاه باردیگر فضای این دانشگاه را متشنج ساخت. انجمن‌های اسلامی رئیس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی را به حذف نیروهای انقلابی، سوء مدیریت و اشاعه "منکرات" محکوم می‌کنند. انجمن‌های دانشجویان و اساتید و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی بهشتی ضمن یکی از آخرین بیانیه‌های خود خطاب به وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از "حذف نیروهای حزب الله" و "حاکمیت بخشیدن نیروهای غیر متعهد ناصالح" توسط رئیس دانشگاه به شدت انتقاد کرده‌اند و نوشته‌اند: "رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به جهت فقدان ابعاد مدیریتی اعم از اخلاقی و سیاسی مورد انتقاد جدی نیروهای مسلمان دانشگاه قرار داشته و دارد". در این بیانیه فضای این دانشگاه را متشنج ساخت. انجمن‌های اسلامی رئیس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی را به حذف نیروهای انقلابی، سوء مدیریت و اشاعه "منکرات" محکوم می‌کنند. انجمن‌های دانشجویان و اساتید و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی بهشتی ضمن یکی از آخرین بیانیه‌های خود خطاب به وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از "حذف نیروهای حزب الله" و "حاکمیت بخشیدن نیروهای غیر متعهد ناصالح" توسط رئیس دانشگاه به شدت انتقاد کرده‌اند و نوشته‌اند: "رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به جهت فقدان ابعاد مدیریتی اعم از اخلاقی و سیاسی مورد انتقاد جدی نیروهای مسلمان دانشگاه قرار داشته و دارد". در این بیانیه فضای این دانشگاه را متشنج ساخت. انجمن‌های اسلامی رئیس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی را به حذف نیروهای انقلابی، سوء مدیریت و اشاعه "منکرات" محکوم می‌کنند.

رئیس جمهور نخبوان در تهران

اول شهریورماه، حیدر علی‌اف رئیس جمهور نخبوان وارد تهران شد. وی در جریان دیدار رسمی خود از جمهوری اسلامی با خامنه‌ای و رفسنجانی دیدار کرد. هدف از سفر علی‌اف به تهران جلب کمک‌های بیشتر جمهوری اسلامی به جمهوری نخبوان که بر اثر جنگ در منطقه قفقاز در وضعیت اقتصادی بدی به سر می‌برد، اعلام شد. علی‌اف در دیدارهای خود با مقامات جمهوری اسلامی ضمن تمجید از سران حکومت و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی، خواهان کمک‌های بیشتر جمهوری اسلامی از جمله صدور گاز طبیعی ایران به این کشور شد. خامنه‌ای و رفسنجانی در دیدارهای خود با علی‌اف ضمن تاکید بر اهمیت همکاری‌های بیشتر بین دو کشور، قول کمک‌های بیشتری به این کشور کوچک همسایه را دادند. رفسنجانی ضمن اشاره غیر مستقیم به کسانی که کمک‌های جمهوری اسلامی به کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق را به منظور نفوذ بیشتر حکومت اسلامی در این کشورها میدانند گفت: هدف جمهوری اسلامی ایران از ارائه کمک‌های انسان دوستانه به کشورهای مسلمان و تازه استقلال یافته وظیفه‌ای اسلامی و انسانی است و اگر کسانی غیر از این باوری داشته باشند یقیناً راهی به خطا و اشتباه رفته‌اند و گذشت زمان این مهم را به اثبات می‌رساند.

تصفیه
قوای انتظامی

ماهنامه پاسدار اسلام از مسئولین رژیم اسلامی خواسته است که قوای انتظامی را از وجود مردم از خود تزلزل نشان داده‌اند، تصفیه نمایند. این ماهنامه که از سوی حوزه علمیه قم انتشار می‌یابد، با اشاره به شورش اخیر مردم در شهر مشهد، اراک و شیراز به مقامات حکومتی پیشنهاد کرد دمامورانی که از حمله به مردم خودداری نمیکنند تادرس مورد مجازات قرار گیرند تا درس عبرتی برای مأموران دیگر باشد.

طرح استیضاح
وزیر کشور

به گزارش خبرنگار پارلمانی روزنامه سلام، در اواسط مرداد ماه گذشته طرح استیضاح حجت الاسلام نوری وزیر کشور در مجلس آماده شده و به زودی در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد. گفته می‌شود این طرح به امضای بیش از یکصد تن از نمایندگان مجلس رسیده است. نوری وزیر کشور، حتی پیش از انتخابات مجلس چهارم مورد انتقاد نمایندگان طرفدار رسالت قرار داشت. پس از انتخابات این انتقادات تصریح شد و اکنون استیضاح وی مطرح شده است. لازم به یادآوری است که رفسنجانی پس از موافقت با استعفا خاتمی وزیر پیشین ارشاد اعلام کرده بود قصد ندارد تغییر دیگری در کابینه خود بدهد. اما تهیه طرح استیضاح نوری نشانگر فشارهای جناح رسالت برای انجام تغییرات دیگری در کابینه است.

در گیرها
در کردستان

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در خارج از کشور در اطلاعیه مردادماه که در پاریس منتشر شد، شمه‌ای از عملیات پیشمرگان این حزب در نیمه دوم مردادماه را برشمرد. به گزارش این اطلاعیه در تاریخ ۱۷ مردادماه عنقریب از افراد نظامی رژیم در مسیر جانک به سیرووی طی زدوخوردی که روی داده کشته و یک نفر از آنها زخمی شده‌است. بنا به این اطلاعیه درگیری دیگری در ۲۴ مرداد ماه میان پیشمرگان حزب پاسداران در جاده بوکان - سقز واقع در ۸ کیلومتری شهر بوکان رخ داد. در این درگیری که نیم ساعت به طول انجامید ۳ نفر از پاسداران وابسته به گروه ضربت امام هلی کشته شده و عرتن دیگر به اسارت پیشمرگان درآمدند. اطلاعیه حزب دموکرات از درگیری دیگری در تاریخ ۲۶ مرداد ماه در مسیر جاده "کاولان" به "سونیاس" در محاباد خبر میدهد که در جریان آن عنقریب پاسداران گردان شهید کاظمی از گروهان مرصاد تیپ ۱۵۵ مدینه منوره کشته شده‌اند.

خودسوزی یک میوه فروش

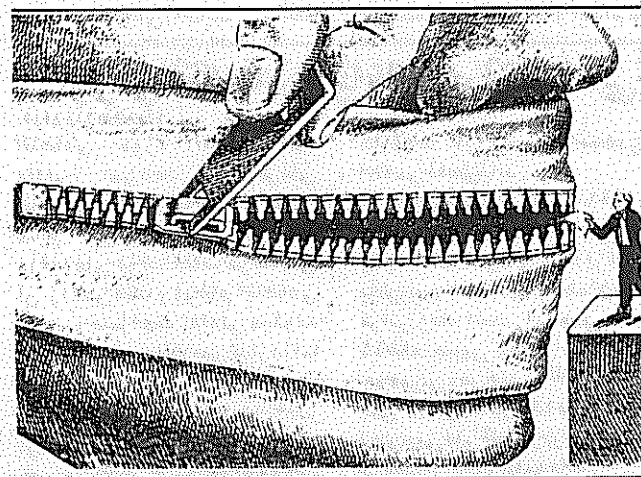
تجاجات و تعديت مامورین شمرداری به مردم زحمتکش و فقرزده فاجعه تازه‌ای آفرید و موجب خودسوزی یک دستفروش شد. وی که قدرت قاضی‌زاده نام داشت از طریق فروش میوه بر روی چرخ دستی خود امرار معاش می‌کرد. روز ۲۵ مرداد گذشته مامورین شمرداری تهران که بدنبال شکار دستفروشان به خیابان نوفل لوشاتو (چرچیل سابق) آمده بودند، به بهانه آنکه "قدرت" اسد معبر کرده است، چرخ دستی وی را مصادره کردند. اصرارها و حتی

مرگ یک دختر ۱۳ ساله
در جریان "نهی از منکر"

تعمیب قرار گرفت، به پشت بام پناه برد و بر اثر هراس ناشی از اسیر شدن به دست حزب الله از بام ساختمان به پایین پرتاب شد و در دم جان سپرد. به گزارش سازمان فوق مردمی که ناظر سقوط و کشته شدن سارا و خروج بسیجی‌ها از ساختمان بودند، دست به اعتراض زدند و اتوبوس مخصوص انتقال بدخجابان محبوز شده به زندان را به آتش کشیدند

فعالیت مجله "آینده"
متوقف شد

در آخرین شماره ماهنامه آینده در یادداشت کوتاهی به قلم ایرج افشار مدیر مجله آمده است: "خواننده گرامی! چون بتازگی چشم‌هایم دچار بیماری شده است و ناچارم از گران باری آن بکامم، از اینکه مجله را نمی‌توانم چاپ بکنم پوزش می‌خواهم. دفتر مجله اشتراک‌هایی را که برای سال ۱۳۷۱ رسیده است، پس خواهد داد. ضمناً انتظار می‌رود کسانی که وجه اشتراک سال ۱۳۷۰ را نپرداخته‌اند، هرچه زودتر مرحمت کنند. با سپاسگزاری از همه نویسندگان و یاران همکار و خوانندگان - ایرج افشار". گفته می‌شود دلیل توقف فعالیت نشریه آینده نه بیماری چشم ایرج افشار مدیر مجله بلکه ناشی از موج "مقابله با تاجم فرهنگی" است که اخیراً از سوی محافل قشری حکومت اسلامی به سرگردگی هلی خامنه‌ای براه افتاده است. مطبوعات فرهنگی مستقل یکی از آماج اساسی این تاجم ضد فرهنگی محافل واپسگرایی حکومت اسلامی است. این فشارها تاکنون توقف فعالیت تعدادی از نشریات غیر دولتی را موجب شده است. در مورد دیگر نشریات نیز این فشارها و فضای سنگینی در اطراف فعالیت آنها ادامه دارد. احتمالاً تصمیم به توقف کار "آینده" توسط مدیر مجله زیر فشار چنین جوی صورت گرفته است. ماهنامه آینده که یک مجله فرهنگی و پژوهشی است در سال ۱۳۵۴ توسط دکتر محمود افشار یزدی پا به هرصه وجود گذاشت. اما انتشار آن پس از چندی متوقف شد. از سال ۵۴ به بعد فعالیت مجدد مجله با مدیریت ایرج افشار از سر گرفته شد و انتشار آن تا به امروز ادامه داشت.



کمبود گوشت قرمز و کاهش مصرف سرانه آن

قیمت گوشت قرمز در چند سال اخیر مرتبا افزایش یافته است. این امر موجب شده است که میزان مصرف سرانه گوشت کاهش یابد. مصرف سرانه گوشت در سال ۱۳۵۶ حدود ۲۳ کیلوگرم بود، در حالیکه در سال ۶۷ به ۱۸/۵ کیلو و در سال ۶۸ به ۱۹/۶ کیلو کاهش یافته است. بررسی میزان تولید گوشت قرمز نشان میدهد که بین تولید و مصرف گوشت در کشور فاصله زیادی وجود دارد. بگفته معاون سابق امور دام جهاد سازندگی، میزان تولید گوشت دام کشور در سال ۷۰ حدود ۵۷۵ هزار تن بوده است. اگر مصرف سرانه گوشت را در این سال معادل سال ۱۳۶۸ یعنی حدود ۱۹/۶ کیلوگرم فرض کنیم، باید ۱۱۶۰ هزار تن گوشت عرضه می شد. در حالیکه با در نظر گرفتن واردات حدود ۶۹۵ هزار تن گوشت قرمز عرضه شده است.

یعنی تفاوت بین عرضه و مصرف حدود ۴۶۵ هزار تن بوده است. این کمبود تا حدود زیادی علت افزایش قیمت گوشت قرمز است. عرضه سرانه گوشت نیز در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۵۷ کاهش قابل توجهی را نشان میدهد. در سال ۵۷ حدود ۵۵۰ هزار تن گوشت برای ۳۴ میلیون جمعیت کشور و در سال ۷۰ حدود ۶۹۵ هزار تن برای ۵۸ میلیون نفر جمعیت عرضه شده است. یعنی با وجود افزایش ۳۷ درصدی میزان تولید در این فاصله زمانی، عرضه سرانه گوشت در سال ۵۷ حدود ۱۴ کیلوگرم و در سال ۷۰ حدود ۱۲ کیلوگرم بوده است. گوشت یکی از منابع مهم تامین پروتئین بدن است. سم گوشت در تامین کالری مورد نیاز از ۱۱/۵ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. کاهش میزان

پروتئینی اثرات نامطلوب بر سلامتی مردم گذاشته است. افزایش قیمت گوشت موجب شده است که مصرف گوشت در بین اقشار کم درآمد جامعه کاهش یابد. طبق آمار موجود: "در سال ۱۳۶۸ کمترین میزان مصرف سرانه گوشت دام با ۲/۵ کیلوگرم به گروه هزینه ای ۳۴ تا ۳۶ هزار تومان و بیشترین آن با ۴۶/۲ کیلوگرم به گروه هزینه ای بیش از ۲۴۰ هزار تومان در سال مربوط بوده است. در این سال مصرف سرانه گوشت دام خانوارهای کم درآمد روستایی ۲/۱ و خانوارهای پردرآمد ۲۱/۶ کیلوگرم در سال بوده است." (بررسی مصرف گوشت در ایران، گزیده مطالب آماری شماره ۳). یعنی پردرآمدترین خانوارهای روستایی حدود ۱۰ برابر کم درآمدترین خانوارهای روستایی گوشت دام مصرف می کنند.

یادداشت اقتصادی - اجتماعی

کالاهای کوپنی هم تدریجا حذف میشوند

مسئولین حکومت جمهوری اسلامی کالاهای کوپنی را تدریجا حذف می کنند. آنها در سخنرانی هایشان مرتبا تکرار می کنند که "سوسپید کالاهای اساسی و کوپنی کمافی السابق پرداخت می شود و نظام سهمیه بندی تداوم خواهد یافت" ولی در واقعیت و بدون آنکه رسما اعلام کنند سیستم توزیع کالاهای اساسی از طریق کوپن را کنار می گذارند. به طور مثال می توان حذف کوپن کره و مرغ و تخم مرغ را نام برد. آنها برای حذف هر کوپن ابتدا فاصله اعلام تاریخ شماره های کوپن را زیادتر کرده و سپس با عادی شدن مسئله در بین مردم، آن را از لیست خارج می سازند. در سال ۶۹ تقریبا ۸ دوره کوپن شهری برای پتیر اعلام شد که در سال ۷۰ به ۶ دوره کاهش یافت و این زمره الان شنیده می شود که در آینده نزدیک کوپن پتیر هم از لیست کالاهای کوپنی حذف خواهد شد.

در سال ۶۹، ۱۴ دوره کوپن روغن نباتی، ۸ دوره پودر لباسشویی، ۸ دوره صابون، ۳ دوره برنج و ۱۱ دوره گوشت شهری (خاص تهران) اعلام شد که در سال ۷۱ به ترتیب به ۱۲ دوره کوپن روغن نباتی، ۴ دوره کوپن پودر لباسشویی، ۴ دوره صابون، ۲ دوره برنج و ۹ دوره کوپن گوشت کاهش یافت. وضعیتی که در زمینه اعلام کوپن های نفت سفید در زمستان سال گذشته رخ داد، این ظن را در مردم ایجاد کرده که کوپن نفت سفید در سال جاری حذف خواهد شد.

در مورد کوپن مرغ و تخم مرغ پس از چند ماه وقفه در اعلام آن، بالاخره رئیس سازمان برنامه و بودجه حذف آن را از لیست کالاهای کوپنی به اطلاع مردم رساند و اظهار داشت که سوسپید آن به طور مستقیم پرداخت خواهد شد. قبل از حذف هر ۴۵ روز یکبار سهمیه تخم مرغ و هر دو ماه یکبار سهمیه مرغ اعلام می شد. اما اکنون "سوسپید مستقیم" با گذشت بیش از ۱۲ ماه تنها به ازای یک دوره و هر نفر ۱۵۰۰ ریال باید معادل ربالی حداقل ۴ دوره کوپن مرغ و ۶ دوره کوپن تخم مرغ پرداخت می شد.

در مورد کوپن گوشت، مسئولین ستاد بسیج اقتصادی می گویند "به محض آمادگی سازمان گوشت، کوپن مربوطه اعلام خواهد شد." از سوی دیگر مسئولان سازمان گوشت می گویند، آمادگی تامین گوشت را دارا هستیم ولی امور اجرایی

ستاد بسیج اقتصادی از اعلام شماره کوپن آن خودداری می کند. اخیرا بعد از چند ماه کوپن گوشت را اعلام کردند. زمانیکه شماره کوپن کالاهای اعلام می شود در موارد قابل توجهی سهمیه آن در مقایسه با موجود نیست. خانواده ها مرتبا به مقارنه های مربوطه سر می زنند ولی موفق به تهیه آن ها نمی شوند و کوپن ها در دست آنها باقی می ماند. در پاره ای موارد تا مهلت پایان اعتبار و حتی پس از انقضای تمدید آن نیز موفق به دریافت کالای کوپنی نمی شوند. بخشی از اقشار زحمتکش جامعه با فروش برخی از کوپن های خود، نیازهای ضروری از جمله هزینه های پزشکی و دارو را تامین می کردند. اکنون با کمبود کالاهای کوپنی ارزش کوپن ها هم پایین آمده است و یا اینکه بزورش نمی رسد.

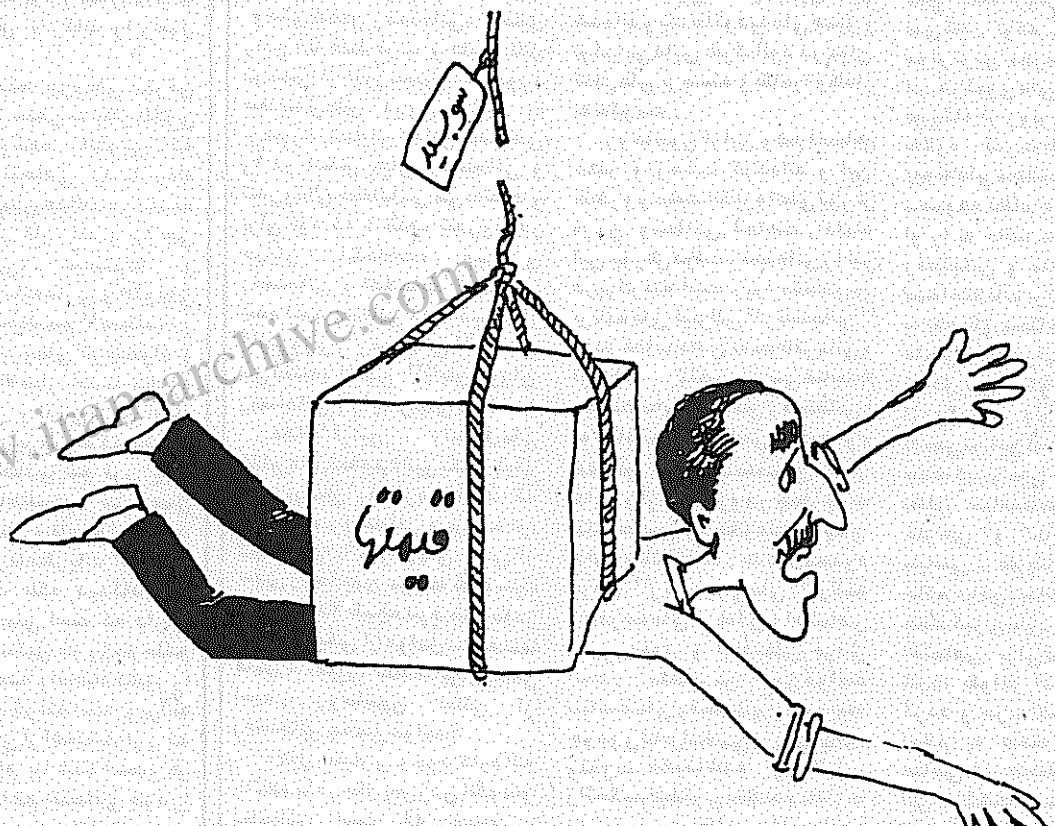
در مواردی فروشندگان تمام یا بخشی از کالاهای کوپنی را در اختیار مردم نمی گذارند و آنها را به قیمت بازار آزاد به مشتریان خاص خود می فروشند و پول های کلانی به جیب می زنند. آنها از دستفروشی ها کوپن های باطله را خریده و به اداره مربوطه تحویل می دهند. نظام سهمیه بندی کالاهای اساسی با وجود اشکالات فراوانش، در طی سال های جنگ ایران و عراق و در سال های اخیر کمکی به تامین معاش اقشار کم درآمد جامعه بود. گرچه میزان کالاهای کوپنی کم بوده و تهیه آن با مشکلات فراوان همراه است، با این وجود مردم می توانستند با قیمت دولتی برخی از کالاهای اساسی را تهیه نمایند. زمانی که کوپن کالایی حذف می شود، کالا از لیست مواد غذایی اقشار کم درآمد جامعه نیز کنار می رود چرا که آنها قادر به تهیه کالا باقیمت بازار آزاد نیستند. مسئولین حکومتی مرغ را از نظام سهمیه بندی خارج ساختند و وعده دادند که قیمت آن را در حد معقول ثابت نگه خواهند داشت. ولی در بازار قیمت آن شدیدآ بالا رفت و سوسپید آن هم به طور مستقیم پرداخت نشد.

در شرایط کنونی دولت رفسنجانی از یکسو دائما قیمت خدمات و کالاهای دولتی را بالا می برد و بالتجربه قدرت خرید مردم مرتبا در حال کاهش است و از سوی دیگر بانها مختلف در صدد حذف تدریجی کالاهای کوپنی است. با این وضع فشار بر مردم به حد فیر قابل تحمل می رسد و مردم سر به عصیان بر میدارند. شورش های اخیر این مسئله را نشان داد.

۶۰ درصد زندانیان کشور را معتادین تشکیل میدهند

لاجوردی مسئول امور زندانهای کشور، طی مصاحبه ای اعلام کرد ۶۰ درصد از زندانیان کشور معتاد به مواد مخدر هستند که ۲۰ درصد از این مجموع را زنان و دختران تشکیل میدهند. وی در توضیح این رقم کلان "سرخوردگیهای اجتماعی" را مهمترین عامل گرایش جوانان و

نقز در میان آنان از عمده ترین اهرم های موثر قاچاقچیان است. در صورتی که مشکلات بیکاری و معیشتی آنان به طرق قانونی رفع شود، مشکلات موجود و فراروی مبارزه تا حد بسیار بالایی مرتفع خواهد شد." سیاست های اقتصادی و اجتماعی رژیم که به ایجاد و تشدید ناهنجاری های فراوانی در سطح جامعه منجر شده، بهترین محمول را در اختیار قاچاقچیان بزرگ و سوداگران مرگ قرار می دهد تا تارهای شوم شبکه های قاچاق و توزیع مواد مخدر را در همه جا و حتی در مدارس بگسترانند. برای مقابله با این پدیده هستی سوز، در کنار مبارزه مستمر با سوداگران مرگ باید زمینه های اقتصادی و اجتماعی این پدیده را از میان برداشت. آمار روز افزون باندهای متلاشی شده و افراد دستگیر شده نشانه موفقیت در مبارزه با قاچاق مواد مخدر نیست، نشانه گستردگی و بقای این پدیده شوم است!



کارنامه یکساله مبارزه با قاچاق مواد مخدر

گسترش فعالیت سوداگران مرگ

جمهوری اسلامی علیه ریشه خشونت های فراوان و اعدام های بیشمار هیچ گاه به شیوه ای موثر پی گیری نشده است. زیرمراجعه و گروه های متعدد قدرت خود بدین کار آلوده اند و سرخ بسیاری از گروه های بزرگ قاچاق به این مراجع و گروه های قدرت وصل است و همین امر کار مبارزه با آنان را دشوار می سازد. اما حتی اگر سیاست سرکوب و اعدام های گسترده با قاطعیت بیشتری نیز پی گیری شود، نتیجه ای بد دست نخواهد آمد، زیرا اکتیادیک بالای اجتماعی است و ناهنجاری های اجتماعی زمینه بروز و گسترش آن است. فقر، بیکاری، فشارهای روانی، عدم برخورداری جامعه به ویژه بخش های جوان از سرگرمی ها و تفریحات سالم از جمله عوامل زمینه ساز اعتیاد هستند. معاون امنیتی نیروهای انتظامی، به گوشه هایی از این واقعیت اشاره کرده و می گوید: "استضعاف در میان مرز نشینان مناطق جنوب و

مقابل با گسترش روز افزون استفاده از مواد مخدر در سطح کشور است. انهدام ۲۰۰ شبکه قاچاق، دستگیری ۱۰ هزار تن از عاملین پخش مواد مخدر و ۵۰ هزار معتاد، کشف ۴۲ تن مواد مخدر در یکسال، که تنها بخشی از فعالیت وسیع قاچاقچیان است، نشانگر آن است که این پدیده شوم و هستی سوز تا چه حد در سطح کشور ریشه دوانیده و بر حجم ابعاد آن چگونه اضافه می شود. از وقتی که حکومت اسلامی سیاست اعدام های فوری و دسته جمعی قاچاقچیان را به مورد اجرا گذاشت، بارها وعده ریشه کن ساختن این بلا می دهد. در طرف مدتی کوتاه داده شد و امروز حجم کشتن های دستگیری ها نشانگر آن است که حکومت اسلامی برخلاف ادعاهایش در ریشه کن ساختن اعتیاد و قاچاق مواد مخدر هیچ گونه موفقیتی نداشته است. مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر امری ضروری است که در

سرتیپ زائری، معاون امنیتی نیروی انتظامی فعالیت این نیرو را در مبارزه با مواد مخدر در سال ۷۰ برشمرد و گفته است ۸۰ درصد از کل کشتن های مرفین طی سال ۱۹۹۱ متعلق به ایران بوده است. به گفته وی در سال ۷۰ متجاوز از ۲۰۰۰ باند فعال قاچاق مواد مخدر کشف و متلاشی شده و ۱۰ هزار نفر از فعالین این باندها دستگیر شده اند. علاوه بر این ۵۰ هزار نفر معتاد در سطح کشور دستگیر شده اند و مجموعا ۴۲ تن مواد مخدر کشف شده است. این رقم در مقایسه با سال ۶۹، ۷۰ درصد افزایش نشان می دهد. معاون امنیتی نیروی انتظامی این کشتن های دستگیری ها را نشانه هوشاری، ایثارگری و موفقیت نیروهای انتظامی در مقابله با قاچاقچیان مواد مخدر نامیده، اما آنچه از سوی وی "موفقیت" در مبارزه با مواد مخدر نامیده شده است تنها نشانه ناتوانی جمهوری اسلامی در

ارتجاع همه سویه

بهراد کرمی

آذری قمی جزو آخوندگانی است که دارای موضع اجتماعی و خط فکری معینی است. تامین منافع تجار بازار در اقتصاد کشور، تامین حاکمیت مطلق ولایت فقیه و سیادت حوزه و روحانیت سنتی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور و تاکید بر فقه سنتی بهانه زیربنای همه قوانین و مقررات در جامعه، ارکان اصلی تفکری است که این شخص همواره مبلغ و مروج آن بوده است.

اما چنین نیست که او در هر اوضاع و احوالی لخت و عریان پامیدان بگذارد و یا در برابر تمدیدها میدان خالی نکند. وقتی خمینی سجود و رکوع را به راست سمت می داد، آذری قمی مؤذن مناره ها بود و هنگامیکه "امام" دم از "مستضعفان" میزد و "خشک مقدسها" را به ترکه می بست، آنگاه برای وی دوره تکیه فرامی رسید.

اینک، بدنبال پیروزی های سیاسی بدست آمده برای روحانیت سنتی بویژه فضای پدید آمده از پی سخنان خامنه ای، آذری قمی دست به تاخت و تاز زده است.

او در شماره های پنجم و ششم مرداد ماه روزنامه رسالت، در مقاله ای تحت عنوان "سخنی با نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی" با کشاندن رشته سخن به هر صدها اقتصاد، ضمن تاکید بر خصوصی کردن همه امور بهانه راه حل اساسی برای اقتصاد کشور، می گوید: "باید کارهای بزرگ و کوچک اقتصادی به بخش خصوصی واگذار شود و حتی کارهای بزرگ و مادر که هم اکنون در دست دولت است فوراً بدون صرف وقت به بخش خصوصی واگذار شود... مخابرات، پست با تمام اقسامش، سد ها، فاضلاب ها و هر چه به شکل دولتی اداره می شود، به بخش خصوصی واگذار شود." و در ادامه همین سخنان می گوید که: "توزیع را نیز باید فقط به بخش خصوصی واگذار کرد."

چنین است حاصل نقد آذری قمی از اقتصاد کشور در دوره حاکمیت رژیم که بازاری های خریبول را به ثروت های نجومی رسانده است. همان بازاری هایی که سهم عظیم نقدینگی بخش خصوصی با رقم متجاوز از دو هزار میلیارد تومان را در چنگ دارند و بهیچوجه حاضر نیستند از سودهای آسان و کلان انگلی دل بکنند و در هر صدهای سرمایه گذاری بکنند که به سود کل جامعه و اقتصاد ملی هم باشد. نظام سرمایه داری پس از جنگ جهانی دوم، به همت هوشمندان از این نظام که به تقد و بررسی بحران های این نظام چه در محدوده های ملی - کشوری و چه در گستره جهانی پرداختند و در سرفه های از خود این نظام و تأثیرهایی از دستاوردهای جنبش های سوسیالیستی گرفتند، دستخوش تحولاتی در ساختار خود شد و مهمترین تحول آن بود که شرط شکوفایی اقتصاد بازار، حضور و دخالت های معینی از سوی دولت ها در بسیاری از امور اساسی و درشت و حتی گاه در موارد ریز اقتصادی است. به علاوه، در جوامعی که سیر طبیعی انباشت سرمایه را پشت سر نهاده اند و لذا در آنها توان کافی سرمایه گذاری توسط افراد و یا حتی مجتمع های خصوصی وجود ندارد، حضور نیرومند دولت در سرمایه گذاری های حیاتی یک شرط مسلم پیشرفت اقتصادی و مشخصاً خود اقتصاد بازار است. اما آخوند آذری قمی که دیدگاه اقتصادی خود را مستقیماً از نحوه نگارش یک مبحث سود اندوزی کلان و آسان می گیرد، به واقعیات تاریخی و امروزی نظام سرمایه داری کاری ندارد و میگوید که "اینجا چیزهایی نیست که من یا دیگری از راه کارشناسی به آنها رسیده باشیم. مطالبی است که فقهای ما رضوان الله تعالی علیهم ائمه را به عنوان احکام اسلام پذیرفته اند. نکند که بعضی از ما ندانسته با مستکبرین همزبانی داشته باشیم و اسلام را هاری از نظام اقتصادی بدانیم." او از این مقدمه نتیجه می گیرد که: "اسلام نه سوسیالیسم است و نه سرمایه داری و باید به صورت انقلابی، اقتصاد کشور اسلامی شود!" و از جمله راه حل هایی که

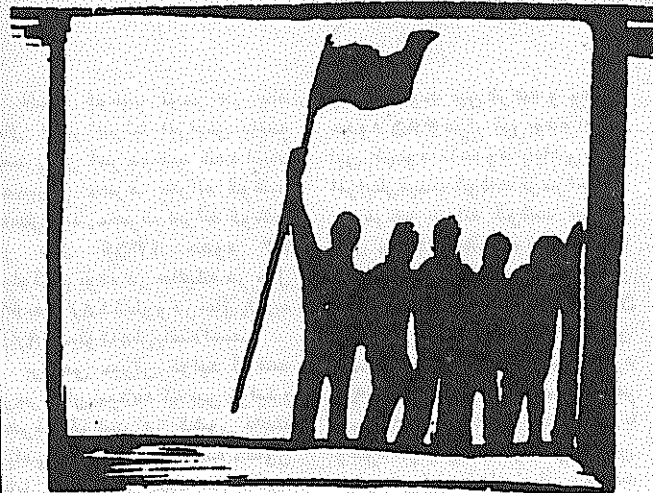
او برای این "اقتصادی اسلامی" برمی شمرد، عبارتست از: "بازگات و اوقاف و وصیتهای و اتفاقات مستحب و واجبه میتوان امور مربوط به یک کشور را حل کرد!" آذری قمی، برای اثبات شفا بخش بودن نسخه های برگشت به هزار و چند صد سال قبل، از پنجاه سال پیش مثال می آورد و می گوید: "اگر پنجاه سال به عقب برگردید لوله کشی آب نجف را مرحوم بوشهری انجام داد و این مسئله در کشورهای اسلامی قابل پیاده شدن است!"

اما همانگونه که فوقاً توضیح داده شد، درد آذری قمی را باید در جای دیگری جستجو کرد.

"یکی از موانع توسعه اقتصادی، هزینه های سنگین تولید از مالیات های قانونی و غیر قانونی است که بدون توضیح بیشتر و ذکر آمار و ارقام، قیمت تمام شده را بالا می برد که حتماً باید حذف شود و منتظر بهره برداری و فروش و حصول درآمد بود و همان مالیات شریعی خمس و زکات را وصول کرد."

در زمانیکه نیروهای مترقی جهان برای رسیدن به چنان الگوی رشد و توسعه انگلیسی که شکوفایی اقتصادی را با رفاه عمومی و تامین عدالت در جامعه درآمزد. در کار نقد و بررسی پیشرفته ترین سیستم ها و نهاد های سرمایه داری و الگوهای ناکام "سوسیالیسم" هستند، در جامعه ما نیروهای تریخواه و عدالتخواه بالاچار باید به مبارزه علیه بدترین و بدوی ترین افکار سودگرانهای بوجین زد که حتی از نظریات اقتصادی سیم قرن پیش یعنی مکتب کانتالیسم نیز بسی عقب تر هستند. و قاجحه اینجاست که، اینها صرفاً نظریات اقتصادی مجرد نیست. بلکه دیدگاه قشر اجتماعی معینی است که دارای وزن بسیار سنگین در رژیم حاکم در کشور ماست و اقتصاد کشور را در چنگ خود گرفته است و برآنند تا با بهره گیری از اشفته بازاری که توسط ارتجاع بنا شده است، هر چه بیشتر مواضع اقتصادی خود را تقویت کنند و سهم افزونتری در تصمیم گیری های اقتصادی و مشی اقتصادی حاکم داشته باشند.

"حزب الله" از رفسنجانی چه میخواهد؟



سریچی از فرامین اسلام و نظام در همه اشکال و سطوح شدت گرفته است. از هر گوشه صدا و نغمه های بلند است که پایه های بنای ولایت فقیه را سست می کند. یکجا شورش ها و انفجار های گرسنگان و بی خانمان ها و مردم بجان آمده، یکجا کتاب ها و فیلم ها و نشریات که به موجی مهارناپذیر تبدیل شده اند و یک جا تردید های عمیق و توگرای های شرک آلود در میان کادربلای برجسته و ظاهر اوفادار به حکومت.

روحانیون از این وضع احساس خطر و وحشت کرده اند و این خطر و وحشت انگیزه اصلی یورش قرون وسطایی آنهاست. دامنه این یورش دولت رفسنجانی را نیز دربر گرفته است زیرا متحجرین برنامه های لیبرالی "رفسنجانی" را در شتاب دادن به جوانفرمانی و ارتداد مخصر می شناسند. سیاست های اقتصادی رفسنجانی - به مثابه هسته اساسی برنامه او و اعتراض جدی مهاجمین تراز ندارد و از همین رو در چهار چوبه امکانات موجود حکومت هم چنان ادامه یافته است. هدف، محدود کردن "زیاده روی های" برنامه در هر صدهای فرهنگی و اجتماعی نظیر حقوق و آزادی های فردی است. متحجرین می خواهند سیاست های رفسنجانی را به دست خودی لباس اسلامی تری ببوشاند و قدرت ضعیف شده روحانیون را تحکیم بیشتری بخشند و نظارت موثرتری به نظام و کل جامعه رکن دیگر این برنامه یعنی سیاست خارجی آن، مورد

ف. تابان

دوره تازه تهاجم ارتجاعی متحجرین نه تنها به هر آنچه نشانی از دگراندیشی و نافرمانی دارد، بلکه به جنبه هایی از سیاست دولت و حتی شخص رفسنجانی، تحلیل رایج اما قفلت قرب و طلیف قابل توجهی از اپوزیسیون در مورد صفت بندی های درون رژیم را برهم زد. تحلیلی که این صفت بندی را در اساس میان رفسنجانی و تندروهای خطاچامی می دانست و بر آن بود که با حذف تندروها در جریان انتخابات، پیروزی رفسنجانی و اصلاحات او تأمین شده است. کسانی که تا دیروز از "پیروزی رفسنجانی" سخن می گفتند، اکنون "پایان دوران رفسنجانی" را پیش بینی می کنند!

جدا از این تحلیل های شتابزده، تهاجم اخیر یکبار دیگر این پرسش را تازه ساخت که سر نوشت رفسنجانی و برنامه او، که اکنون با تعرض های جدی از سوی روحانیون مواجه شده - چه خواهد شد؟ نتیجه نبرد جناح هادر حکومت یکی از عوامل - و نه تنها عامل - تعیین کننده این پرسش است. روحانیون سنتی از رفسنجانی چه می خواهند؟

دلایل بسیاری وجود دارد که جامعه مادر حال پس زدن الگوهای مناسباتی است که جمعوری اسلامی طی ۱۴ سال کوشیده است بر کشور تحمیل کند.

می بلعد و بر فقر مردم می افزاید. اگر روزها بدین ترتیب پیش رود در سال ۸۵ وضع به مراتب فلاکت بارتری در کشور بوجود خواهد آمد.

جامعه ما با فاجعه فقر و فلاکت روبرو است این واقعیت گزنده رانمی توان به هیچ وسیله ای پوشاند. افق روشنی برای درآمدن از این فاجعه وجود ندارد. واقعیات تماماً حاکی از آنست که دورنمای کشور ما نه جامعه ای مرده و پیشرفته بلکه جامعه ای بشدت عقب مانده و فقر زده است. ایران می رود در ردیف کشوری نظیر بنگلادش قرار گیرد. این موضوع نه مسئله نیروهای اپوزیسیون، بلکه مسئله تمام کسانی است که به مردم و به کشور ما ن دل می سوزانند و از آینده آن بشدت نگرانند. آقای رفسنجانی بر این فاجعه چشم می پوشد و در همین سخنرانی می گوید: "امیدوارم در آینده ای نزدیک شاهد یک کشور مرفه و زبازند جهانی باشیم." باید بایشان گفت که با "حلوا گلوتن دهن شیرین

واقعیت زندگی مردم است که همه روزه آن را با پوست و گوشت خود لیس می کنند.

فاکت های آزاری و مشاهدات عینی حاکی از آنست که مردم ما روز بروز فقیرتر، محروم تر و تنگدست تر می شوند. قیمت کالاها و خدمات به طوری سابقه افزایش می یابد در حالیکه حقوق های ثابت مانده و یا اندکی افزایش می یابند. به گفته مسئولین کشور تورم در سال ۷۰ حدود ۲۸ درصد بود. یعنی در سال گذشته از قدرت خرید مردم حدود یک سوم کاسته شده است. گفته می شود با توجه به افزایش بی سابقه قیمت ها، اجسام تورم به ۵۰ درصد خواهد رسید. یعنی قدرت خرید مردم نصف خواهد شد.

این وضع بر جامعه و بر زندگی مردم تأثیرات ناگواری می گذارد. آمار های سال ۶۵ نشان میدهد که از جمعیت ۵۰ میلیونی، بیش از ۲۲ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند. گرچه آمار های سال ۷۰ در دست نیست ولی با توجه به میزان بالای تورم، این رقم به طور یقین افزایش

واقعیت زندگی مردم است که همه روزه آن را با پوست و گوشت خود لیس می کنند.

فاکت های آزاری و مشاهدات عینی حاکی از آنست که مردم ما روز بروز فقیرتر، محروم تر و تنگدست تر می شوند. قیمت کالاها و خدمات به طوری سابقه افزایش می یابد در حالیکه حقوق های ثابت مانده و یا اندکی افزایش می یابند. به گفته مسئولین کشور تورم در سال ۷۰ حدود ۲۸ درصد بود. یعنی در سال گذشته از قدرت خرید مردم حدود یک سوم کاسته شده است. گفته می شود با توجه به افزایش بی سابقه قیمت ها، اجسام تورم به ۵۰ درصد خواهد رسید. یعنی قدرت خرید مردم نصف خواهد شد.

این وضع بر جامعه و بر زندگی مردم تأثیرات ناگواری می گذارد. آمار های سال ۶۵ نشان میدهد که از جمعیت ۵۰ میلیونی، بیش از ۲۲ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند. گرچه آمار های سال ۷۰ در دست نیست ولی با توجه به میزان بالای تورم، این رقم به طور یقین افزایش

باحلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی شود

بهر روز خلیق

ماشمی رفسنجانی اخیراً از منطقه خندانده که جزو مناطق محروم و عقب افتاده کشور است، بازدید به عمل آورد و برای مردم محروم این منطقه سخنرانی کرد و در این سخنرانی تصویری زیبا و خوش آید از کشور ایران ارائه داد و گفت: "کشور شما بهترین و راحت ترین کشورهای دنیا می باشد. کشورهای دیگر نه نعمت استقلال، نه نعمت دین، نه نعمت آزادی و نه نعمت قانون شما را دارند." رفسنجانی در ادامه سخنانش اظهار داشت: "باید فرهنگ تظاهر به نداری از بین

اصول ثابت توسعه سیاسی

از اطلاعات سیاسی - اقتصادی - فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱
نوشته: دکتر محمود سریع القلم

استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

الف: مقدمه:

هدف این مقاله بر شمردن اصولی است که بر پایه آنها یک جامعه علاقمند به توسعه به معنای عام، می تواند در میدان توسعه فکری و سیاسی به برنامه ریزی و فعالیت پردازد. به عبارت دیگر، سعی می شود به این پرسش پاسخ داده شود که در چه شرایطی می توان یک جامعه را از لحاظ سیاسی، توسعه یافته قلمداد کرد و با چه شاخصهایی می توان در پی شناسایی جامعه ای بود که از حیث سیاسی، در میدان تکامل و پیشرفت قدم نهاده است. فوق العاده با اهمیت است که در این چارچوب، تفاوتی میان مسائل شکلی و ساختاری توسعه سیاسی و محتوای توسعه سیاسی قایل شویم. به عقیده نویسنده، شکل و ساختار هر حکومتی می تواند تا اندازه قابل توجهی مستقل از محتوای سیاسی آن مورد بحث قرار گیرد. طبیعی است که این دو مورد به هم مرتبط می باشند. اما برای حل این قضیه، دست کم در حدی که می خواهیم به مباحث این مقاله بپردازیم، این گونه قضاوت خواهیم کرد که شکل و ساختار حکومت می تواند جنبه قراردادی داشته باشد، و در حالی که محتوای سیاسی یک جامعه می تواند ضروری است که با برنامه ریزی و فعالیت های دقیق و منسجم به سمت تکامل پیش رود، جامعه ای موفقتر است که محتوای سیاسی آن از شکل سیاسی آن سریعتر حرکت کند.

مفروض اول مقاله اینست که توسعه سیاسی به دلیل چند بعدی، جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده ترین سطح توسعه یک جامعه است. مفروض دوم مقاله اینست که بخاطر تابع بودن توسعه اقتصادی نسبت به توسعه سیاسی با توجه به شرایط و تحولات فعلی بین المللی، تا زمانی که وضعیت عمومی و تکلیف قانونی توسعه سیاسی در قالب یک جامعه حل و فصل نشود، ابعاد دیگر توسعه به صورت کیفی، تکاملی و موفقیت آمیز، متحقق نخواهند شد. این مقاله، دوازده اصل را زمینه ها و شاخصهای توسعه سیاسی قلمداد می کند. این دوازده اصل عبارتند از:

- ۱- فرد گرایی مثبت باید تشویق گردد.
- ۲- تفکر از زمینه های استقرایی قوی برخوردار باشد.
- ۳- تفکر، متاع عمومی و تخصص، متاع خاص باشد.
- ۴- آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه باشد.
- ۵- عموم مردم، منطقی و شیوه های کار جمعی را بیاموزند.
- ۶- هویت عمومی جامعه فوق العاده قوی و مستحکم باشد.
- ۷- علاقه به جامعه و به دنبال آن قانون پذیری در میان مردم بنیادی باشد.
- ۸- منافع هیات حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم همسو باشد.
- ۹- دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهاد های غیر دولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشند.
- ۱۰- آرامش اقتصادی وجود داشته باشد.
- ۱۱- تصمیم گیری مبتنی بر اصلاح نگری و اصلاح پذیری باشد.
- ۱۲- انتخاب افراد بر اساس رقابت توانایی و لیاقت صورت گیرد.

شیوه دستیابی به اصول دوازده گانه فوق جنبه منطقی و استقرایی دارد و یک جامعه را از فراز کره ارض با توجه به ارزشهای انسانی مدنظر قرار می دهد. مصادیق بعضی از این اصول در برخی جوامع وجود دارد اما مجموعه اصول به صورت یک سیستم سیاسی از مصداق خاصی برخوردار نیست. مقصود ما تلفیق نظریه با اصول ارزشهای انسانی است بگونه ای که مبنای تئوریک توسعه سیاسی با ارزشهای انسانی ادغام گردد و حرکت تکاملی جامعه را در مسیر توسعه اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً به سوی توسعه سیاسی جلوه گر سازد. این است استنباطی که نویسنده از یک جامعه توسعه یافته سیاسی دارد. ذیلا پس از نگاهی اجمالی به نظریه های توسعه سیاسی، به تشریح و تجزیه و تحلیل اصول دوازده گانه یاد شده برای دستیابی به توسعه سیاسی خواهیم پرداخت.

طبیعی است جامعه ای که در مسیر توسعه و بهبود حرکت نکند در جمود پسر خواهد بود. به عبارت دیگر، واژه و مفهوم توسعه که هم اکنون عامترین حالت را در متون علوم انسانی به خود گرفته است، جدید نیست بلکه قدیمی بوده و سابقه آن به شروع زندگی انسانی بازمی گردد. از آنجا که شکل و محتوای توسعه در دهه های اخیر، شدت و سرعت و کیفیت بی سابقه ای پیدا کرده است، مفهوم توسعه جنبه همگانی و به صورت مخرج مشترک تمامی مسائل علمی، اجتماعی، اقتصادی، فنی و سیاسی تلقی شده است.

رونالد چیلکوت معتقد است که نظریه های توسعه سیاسی را به سه قسمت یا گروه می توان تقسیم کرد: ۱) آن دسته که توسعه سیاسی را با مکرر آسای مترادف می دانند، ۲) آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته اند، ۳) آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحرانها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته اند. به نظر می آید که این تقسیم بندی جامعترین تقسیم بندی باشد. نظریه پردازان گروه اول که از میان آنها کارل فریدرک، جیمز براینس، لوسین پای، سیمور لیبس و آرتور اسمیت را می توان نام برد، در مجموع به پارلماناریسم، انتخابات، کثرت گرایی، نظامهای سیاسی چند حزبی و نظام سیاسی رقابتی، اقتدار قانونی نظام یافته، آزادی مطبوعات، توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی به عنوان شاخصهای اصلی توسعه سیاسی اشاره کرده اند.

گروه دوم، سعی بر آن داشته اند که میان تغییر و توسعه سیاسی ارتباط ایجاد نمایند. از تحقیقات کلاسیک در این رابطه، می توان کار فریدرک، لوئیس کوزرو را برتربین نام برد. این دسته از نظریه پردازان به نظریه های تغییر و تحول، کشمکش اجتماعی، فراز و نشیبهای تغییر در جوامع مختلف و تغییر و تحول به عنوان نیاز طبیعی انسانها و جوامع توجه نموده اند. گروه سوم از نظریه پردازان که در رابطه با توسعه سیاسی، کار تئوریک کرده اند، شامل افرادی مانند لئونارد

بایندر، جیمز کلن، جوزف لالومبارا و سیدنی وریامی باشد. این گروه به کارکردهای اجتماعی در مسیر توسعه سیاسی مانند پدید آمدن ظرفیت اجتماعی - سیاسی، عدالت و تقسیم امکانات و منابع و نهایتاً طبقات اجتماعی - سیاسی پرداخته اند. شیوه های تقسیم قدرت، رقابت در کسب قدرت و شیوه های برخورد هیئتهای حاکمه با بحران و مشروعیت سیاسی از دیگر زوایای تحقیقاتی این گروه از محققین می باشد.

به گفته چیلکوت^۶، موضوعات و زوایای تحقیقاتی گروه دوم، کمتر از دو گروه دیگر مورد تخصص قرار گرفته است. به نظر می آید که مشکل چارچوب دوم، بیشتر جنبه متدلوزیک داشته باشد تا محتوایی. مقاله حاضر، از لحاظ تقسیم بندیهای فوق، در قالب دوم قرار می گیرد زیرا تغییر را اولاً طبیعی تلقی می کند و ثانیاً آن را در یک سیر طولانی و دراز مدت میسر و عملی می داند و بالاخره، سعی دارد تا با اصلاحات مناسب، منطقی و برنامه ریزی شده به آن دست یابد. هر چند سه گروه از محققین در مطالعات و نتایج ارائه شده، هم به تحلیل پرداخته اند و هم به توصیه و ارائه پیشنهاد، ولی به عقیده نویسنده، جنبه شناختی و علمی گروه دوم که به تغییرات تدریجی و آگاهانه هیئتهای حاکمه و گروههای صاحب نفوذ و نهایتاً جوامع عنایت دارد، به مراتب قویتر است. ذیلا، به بررسی یکایک اصول دوازده گانه توسعه سیاسی می پردازیم.

ب: بحث

۱- فرد گرایی مثبت باید تشویق گردد. منظور از فرد گرایی مثبت اهمیت دادن به انسانهاست تا صاحب شخصیت، فکر و خلاقیت شوند. روشن است که فرد گرایی به معنای مطلق آن و به معنای خود مجوری و خود بینی مطلوب یک جامعه انسانی نیست. همچنین فرد گرایی به شیوه رایج در جوامع غربی، یعنی دفع خانواده و دفع ارزشهای فرانسوی نیز شایسته نیست. اگر انسانها به تناسب امکاناتی که فضای فکری جامعه، نظام آموزشی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ خانواده و برنامه ریزی عمومی جامعه در اختیار آنها می گذارد به کشف استعدادها، ارتقاء اعتماد به نفس، تفکر و عادت به فکر کردن و اعتدالی شخصیت و کارا کتر فردی خود بپردازند، طبیعی است جامعه ای که از این نوع انسانها تشکیل می شود، جامعه ای آگاه تر، فکورتر و متکی تر به خود خواهد بود. توسعه سیاسی زمانی میسر است که افراد یک جامعه بعنوان مهمترین واحد آن، خود و جامعه خود را بخوبی بشناسند و از درجه فکری، آگاهی و اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشند. بنابراین، منظور ما از فرد گرایی مثبت اینست که افراد با توجه و تکیه به خود، شخصیت فردی و اجتماعی خویش را تقویت کنند و آگاهانه با مسائل جامعه ای که در آن زندگی می کنند، برخورد نمایند.

۲- تفکر از زمینه های استقرایی قوی برخوردار باشد. بهره گیری از روش استقراء در استنباط و استنتاج، میدان آزادتری به شخص علاقمند و کنجکاو عرضه می دارد، پیشداوری را تقلیل می دهد و انسان را از برخورد های طبقه بندی شده، قالبی و کلیشه ای دور می کند. فرقی عالم و عامی اینست که اولی قضایا را با دقت خاص و بگونه شناختی می نگرد، در حالی که شخص عامی از کلیشه های موجود ذهنی خود بهره برداری و کمتر به قوه عقليه رجوع می کند. استقراء روشی است که تمرین آن و نهادی شدن آن در افراد فکور و با شخصیت، سطح دقت و ظرافت فکری و شیوه فهم و نتیجه گیری آنها را به نحو قابل توجهی ارتقاء می دهد. پیش از این گفتیم که توسعه سیاسی بالاترین و پیچیده ترین سطح توسعه است. به عبارت دیگر، دقت فکری انسانها در این سطح از توسعه، در حد اعلائی خود قرار دارد. بنابراین، تفکر استقرایی می تواند در تربیت و تقویت ذهن و دقت، علمی تر و بازر تر شدن آن مؤثر واقع شود.

۳- تفکر متاع عمومی و تخصص متاع خاص باشد. جامعه ای به طرف توسعه حرکت می کند که مردم آن از قوه عقلی خود بیشتر استفاده کنند. بنابراین، عقل و فکر که پایه مهم توسعه چه در بعد اجتماعی - اقتصادی و چه در بعد سیاسی می باشد. تولید، خدمات، بوروکراسی کار آمد، نظم اجتماعی، محاسبه در امور فردی و اجتماعی و برنامه ریزی، عمدتاً مبتنی بر شیوه بهره برداری از قوه فکری و عقلی انسان است. هنگامی که عقل حاکم نباشد و اداره امور و برنامه ریزی ها و پیش بینی ها با احساس، تعصب و سوء محاسبه توأم گردد، توسعه ای در کار نخواهد بود. بر اساس چنین برداشتی از جامعه رو به توسعه، تفکر و تعقل و پرورش ذهن محاسبه گر بایستی حالت همگانی پیدا کند و افراد چنان آموزش ببینند که در برخورد با جزئی ترین تا کلان ترین امور، به عقل و فکر اتکاء کنند. تا به حال صحبت از عقل عمومی کرده ایم. جوامع رو به توسعه به سمت تجزیه امور و نقشها و مسئولیتهای می روند و بنابراین، عقل کلی که قابل استفاده در تمامی مسائل است، کاربرد دقیق تر و تخصصی پیدا می کند. توسعه اقتصادی در سطحی فنی و کمی، محتاج فکر عمومی و فکر تخصصی است اما توسعه سیاسی با مقیاسهای کیفی، به مراتب پیچیده تر است و با فکر عام و خاص سر و کار دارد. بر اساس بحث فوق، نتیجه می گیریم که تفکر و تعقل از اجزاء اولیه و بنیادی حرکت فردی و جمعی به سمت توسعه سیاسی است.

۴- آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه باشد. کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه، مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارتهای گوناگون برخوردار باشند. در نهایت، با توجه به روندهای موجود در نظام بین الملل، تفاوت بین کشورها از لحاظ سطح فرهنگ و آموزش و تربیت تخصصی مردم آنها می باشد. تجربیات چهار قرن توسعه، اندیشمندان را به این نتیجه رسانده است که توسعه در افزایش سرمایه، تکنولوژی، سطح درآمد و صادرات و صنعت خلاصه نمی شود، بلکه مهمترین رکن توسعه، مردم با فرهنگ می باشند. از آنجا که توسعه سیاسی مستلزم شخصیت و تحمل و تفکر است، بهترین آموزشهای علمی، دانشگاهی و همچنین اخلاقی را نیز می طلبد. بنابراین، نباید انتظار داشت که بدون آموزش، تعلیم و تربیت و صرف سالها وقت برای اصلاح رفتار انسانها و پرورش اندیشه های انسانی، جامعه ای متحول شود و در جهت بهبود و تکامل پیش رود. بجز توسعه اقتصادی که جامعه را به طور طبیعی به سوی سازمان یافتگی و همکاری جمعی سوق می دهد، تعلیم و تربیت و سیستم آموزشی هویا که از کادر فوق العاده قوی و صاحب کارا کتر برخوردار باشد، عامل مهم دیگری است که در هر دو عامل مؤثر و تعیین کننده و در عین حال پایدار، بر توسعه سیاسی تأثیر می گذارد.

۵- عموم مردم، منطقی و شیوه های کار جمعی را بیاموزند. سیاست و مملکت داری و جنبه های مختلف آن از تصمیم گیری و سیاست گذاری گرفته تا اجرا، همه از کارهای دشوار جمعی است که ریشه در جهان بینی ها، اندیشه ها، منافع و سلیقه ها دارد. جوامع توسعه یافته از لحاظ سیاسی، جوامعی هستند که افراد در آن تعلیم یافته اند تا کار فردی و کار جمعی را از یکدیگر تمیز دهند زیرا هر یک از این کارها، ویژگیها و مستلزمات خود را دارد. کار جمعی ضرورتاً خود محوری را به حداقل می رساند و به شکل گیری اندیشه ها، عکس العملها و تصمیمها، جنبه تدریجی می بخشد. در کار جمعی، دستیابی به اجماع تقدس می یابد و تقدس افراد کمتر می شود. در چنین جوی، افراد مجبور خواهند بود بخشی از منافع خود یا گروه خود را کنار بگذارند و بخشی از منافع دیگران را بپذیرند. در کار جمعی، شخص از لحاظ روانی بیشتر به انتظار نتیجه نهایی بحثها و جدلهای گروهی خواهد نشست تا آنکه دیدگاههای خود را به فردی دیگر یا جمعی تحمیل نماید. کار جمعی، به درجات قابل توجهی از تحمل، بحثهای فکری، تعدیل منافع و همسویی فکری محتاج است و چنین پروسه ای، توسعه سیاسی را که جداً یک کار جمعی محسوب می شود، تسهیل خواهد کرد.

۶- هویت عمومی جامعه بسیار قوی و مستحکم باشد. این عامل و عامل بعدی از یکدیگر متأثرند به این صورت که اگر جامعه هویتی روشن و غیر قابل منازعه در میان گروهها و اندیشمندان داشته باشد در جهت حرکت خواهد کرد که مردم با علاقه به کار و فعالیت بپردازند. حال سؤال اینست که برخورداری از هویت قوی و پایدار تابع چه عواملی می باشد؟ به عقیده ما، برخورداری از یک هویت قوی و یا حرکت در مسیری که به کسب هویت قوی منتهی شود تابع اجماع نظر سه گروه می باشد: آنهایی که حکومت می کنند، آنهایی که فکر می کنند و آنهایی که صاحب امکانات و ثروت هستند. اگر میان این سه گروه توافق فکری و سیاسی، اعتماد متقابل و همسویی روشی وجود داشته باشد، نتیجه ای فوق العاده مثبت برای برنامه ریزیها، آینده نگریها و سرنوشت عمومی جامعه به بار خواهد آمد. توسعه، اجماع نظر می خواهد و تاریخ آشکارا مصادیق متعددی در این زمینه در اختیار ما قرار می دهد.^۷ هویت عمومی، ملی و ارزشی قوی تابع این اجماع نظر، در راس هرم سیاسی یک جامعه است. هنگامی که تکلیف فکری و روشی یک جامعه روشن شد، پرداختن به موازات دیگری که ما در این مقاله به عنوان عوامل مؤثر توسعه سیاسی نام برده ایم، میسر خواهد بود.

۷- علاقه به جامعه و به دنبال آن، قانون پذیری در میان مردم بنیادی باشد. در چه شرایطی مردم یک جامعه، به وضعیت و سرنوشت و آینده جامعه خود علاقمند خواهند بود؟ به عقیده ما، زمانی که هدف از زندگی به طور ذهنی و عینی برای تمامی نسلها در یک جامعه روشن باشد، و در شرایطی این تعریف از حیات روشن می شود که سه گروه مذکور در بند ۶، در اثر تلاقی منافع و بحث و گفتگو و برخورد عقلایی با امکانات و کمبودهای جامعه، به توافق و اجماع نظر پایدار رسیده باشند. انسانها با امید زندگی می کنند، امید می کنند که در بیرون از ذهن، مصداق عینی داشته باشد. این ذهنیت و عینیت با روشن شدن اهداف ملی، منافع ملی و هویت عمومی متحقق می شود و انسانها به طور منطقی و با توجه به بافت جامعه ای که در آن زندگی می کنند، به کار و فعالیت می پردازند و با علاقه به جامعه و هموعان و هموطنان خود می نگرند و حفظ و پیشرفت جامعه برای آنها تقدس می یابد. جامعه توسعه یافته سیاسی، جامعه ای است که در آن، تکلیف منافع ملی، هویت ملی و تعریف و هدف حیات معلوم شده باشد و این مفاهیم به کمک جو موجود تدریجاً صیقل یابد و روشن تر گردد. در چنین شرایطی است که قانون پذیری که اساس و پایه حفظ ارزشها و آرمانها به شمار می رود، مقبول می افتد و حساسیت افراد را برمی انگیزد.

۸- منافع هیئت حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم همسو باشد. در واقع این موضوع، به بحث مشروعیت سیاسی هیئت حاکمه یک جامعه مربوط می شود. زمانی که حکومت مشروع است که ارزشها و اندیشه های عموم مردم با ارزشها و اندیشه های نخیکان جامعه در تضاد نباشد. مردم حکومت را از آن خود بدانند و حکومت نیز به طور نهادی شده، قانونی و مستمر، خود را در مورد عملکردش در برابر مردم پاسخگو بدانند.^۸ مشروعیت سیاسی تابع کلیدی توسعه سیاسی است و تکامل سیاسی یک جامعه را روان می کند. اگر جامعه ای در زمینه تعریف منافع ملی، منافع عمومی، و منافع هیئت حاکمه سردرگم و گرفتار تضاد و کشمکش باشد، فرصتی برای پیشرفت در مسیر توسعه پیدا نخواهد کرد و در دایره ای از ابهام و بیاتکلیفی حرکت خواهد نمود. تقارن منافع هیئت حاکمه با منافع و مصالح عموم مردم، نشانه با اهمیتی از درجه اجماع نظر، نهادی شدن ارزشها میان تمامی اقشار جامعه و آرامش روابط مردم و حکومت است.

۹- دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهایی غیر دولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشند. حکومتها، بیش از اقشار مختلف اجتماعی به قدرت می اندیشند و توجه می نمایند. این توجه خاص، منطقی و طبیعی است. اما اگر نیروها و عوامل تعدیل کننده ای در جامعه وجود نداشته باشد، زمینه های فکری و فرهنگی جامعه، چند بعدی نخواهد بود. جامعه ای به سمت توسعه سیاسی می رود که تنوع منابع قدرت را بپذیرد و از ابعاد مختلف روح و روان و فکر انسانها بهره برداری کند. اگر دولت تنها مجری این وظایف باشد، اقشار مختلف یک جامعه به دولت متصل شده و محافظه کار می شوند. اگر جامعه ای به ظهور جمعیتها، اصناف، انجمنها و بنیادهای مختلف فکری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میدان دهد، مشارکت و احساس و انگیزه و توانایی مشارکت در میان مردم تقویت می شود، تشکل اجتماعی مفهوم می یابد و جامعه به طرف تولید فکر و فرهنگ و بحث و گفتگو حرکت می کند. بنابراین، زمینه های ظهور نهاد های غیر دولتی، به جامعه تنوع می بخشد، بر ثبات آن می افزاید، اصلاح و تصحیح به همراه می آورد و میان دولت و ملت، پلهای ارتباطی منطقی را می نماید. در جامعه توسعه یافته از نظر سیاسی، دولت و ملت دو روی یک سکه اند.

۱۰- آرامش اقتصادی وجود داشته باشد. بطور یقین، تحقق این امر در شرایط سخت و پیچیده نظام کنونی بین الملل، بسیار دشوار است. دغدغه های مالی و اقتصادی، فرصت پرداختن به فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی را

گفتگو با

یک کارشناس مسائل ایران

کشورهای خاورمیانه متلاشی شده‌اند در تمام اروپا و در تمام دنیا یک مرکزی که بتواند مسائل را مطرح کند، نیست. والا خوب خارجه روسیه و معاون انجمن دوستی ایران و شوروی سابق ترتیب داده است که بیانگر دیدگاههایی در این کشور نسبت به مسائل ایران است. آنچه در زیر می‌آید، خلاصه شده این مصاحبه با آقای علی اوفلی است.

(س) خواهش می‌کنم به طور مختصر خودتان را معرفی کنید. (ج) من پرفسور آکادمی وزارت خارجه و دکتر افتخاری دانشگاه تهران و دانشگاه کابل هستم. معلم تاریخ معاصر ایران و ادبیات فارسی، به عنوان مترجم چه پیش از جنگ جهانی و چه پس از آن جزو هیئت‌های رسمی دولت شوروی که به افغانستان و یا به ایران می‌رفتند بودم. و یاقوتی از این دو کشور هیئت‌هایی به ایران می‌آمدند، من به عنوان مترجم کار می‌کردم و به عنوان رایزن سیاسی نیز در این هیئت‌ها کار می‌کردم.

(س) یکی از مهمترین مسائلی که در سطح بین‌المللی مطرح است، مسئله حقوق بشر است، می‌خواستم بدانم که تا چه حد، سیاست خارجی روسیه رادرفاع از حقوق بشر در کشورهای جهان می‌بیند. میدانید که حقوق بشر در کشور ما به شکل خشنی نقض می‌گردد که این مسئله مورد تأیید نمایندگان سازمان ملل نیز قرار گرفته است، ولی ما شاهد هیچگونه اعتراضی از طرف روسیه و یا دیگر جمهوری‌های جامعه دولت‌های مستقل نیستیم ولی مثلا در رابطه با کو، می‌بینم که رهبران روسیه با اپوزیسیون رژیم کوبا دیدار می‌کنند و اعلام می‌کنند که حتی ما از کوبا پناهنده می‌پذیریم. در اینجا آیا تضادی نمی‌بینید؟ سیاست خارجی روسیه واقعا در چه جهتی سیر می‌کند؟

(ج) یکی از مهمترین مسائلی که در سطح بین‌المللی مطرح است، مسئله حقوق بشر است، می‌خواستم بدانم که تا چه حد، سیاست خارجی روسیه رادرفاع از حقوق بشر در کشورهای جهان می‌بیند. میدانید که حقوق بشر در کشور ما به شکل خشنی نقض می‌گردد که این مسئله مورد تأیید نمایندگان سازمان ملل نیز قرار گرفته است، ولی ما شاهد هیچگونه اعتراضی از طرف روسیه و یا دیگر جمهوری‌های جامعه دولت‌های مستقل نیستیم ولی مثلا در رابطه با کو، می‌بینم که رهبران روسیه با اپوزیسیون رژیم کوبا دیدار می‌کنند و اعلام می‌کنند که حتی ما از کوبا پناهنده می‌پذیریم. در اینجا آیا تضادی نمی‌بینید؟ سیاست خارجی روسیه واقعا در چه جهتی سیر می‌کند؟

(ج) من اگر به طور کلی سیاست خارجی روسیه را به شما بگویم این است که همان سیاست سابق است. فقط فرقی این است که ما حالا مسئله سیاسی را در روابط خارجی از میان برداشته‌ایم، یعنی نظرات سیاسی را ما دیگر مراعات نمی‌کنیم. فقط نفع طرفین مطرح است، مثلا اگر به نفع ما باشد، با اسرائیل تجارت برقرار بکنیم برقرار می‌کنیم در حالی که مادر سابق می‌گفتیم که در اسرائیل حکومت ارتجاعی است و ظلم می‌کند و غیره یعنی این مسئله سیاسی را در روابط بین‌المللی تعقیب نمی‌کنیم، بقیه مسائل همانطور است که سابق بود، یعنی ما می‌خواهیم روابط صلح آمیز داشته باشیم مخصوصا با سایر ملل. ما با جنگ مخالف هستیم، ما با تجاوز مخالف هستیم، اینها همه مثل سابق هست، اینکه شما فرمودید که راجع به کوبا و اینها راجع به خاورمیانه، این بسته به فعالیت سازمان‌های اپوزیسیون این کشورهاست. مثلا پایگاه نیروهای اپوزیسیون کوبا در آمریکا است و اینها بیشتر می‌توانند خودنمایی کنند و خودشان را نشان بدهند، حالا حق به جانب هستند و نیستند، مسئله دیگری است ولی قوای مترقی، مثلا

حکومت است باید بگویدش، برزیدش، و حالا واژه‌هایش دقیقا یادم نیست، اینجا دیگر ترجمه نشد و به اطلاع نرسید، بنابراین اطلاعات خیلی اهمیت دارد. (س) پس شما فکر می‌کنید که در حال حاضر کار روی افکار عمومی در اینجا و انتشار مطالب در مورد ایران در روسیه و جمهوری‌های دیگر، روی سیاست رهبران سیاسی در رابطه با موضوع گیری‌شان در مورد نقض دموکراسی در ایران تاثیر می‌گذارد؟

(ج) بله، البته، افکار عمومی حالا به عقیده من، تاثیر دارد، مثلا ببینید این تظاهراتی که انجام شده، در نتیجه در شورای عالی تصمیمات جدیدی گرفته شد حالا رئیس جمهور با احزاب مختلف مذاکره و مشاوره می‌کند و صحبت می‌کند، افکار عمومی حالا خیلی خیلی در سیاست دولت دخیل است.

(س) یکی دیگر از سوالاتم راجع به فروش اسلحه به ایران است، خوب یکی از چیزهایی که در نظم جدید جهانی از آن صحبت می‌شود، مسئله کاهش درگیری‌های منطقه‌ای است که در این اواخر و قبل از پایان جنگ سرد بسیار گسترده شده بود، از کامبوج تا آنگولا و تا آمریکای لاتین را فراگرفته بود، پس از آن چند سال گذشته، فروش اسلحه دوباره فروتنی گرفته است و از جمله فروش اسلحه به کشور ما که بالاخره یک مقدار از دلارهای نفتی را در دست دارد و محتالین دلارها جذابیت دارد. فروش اسلحه به ایران را از طرف روسیه چگونه می‌بینید؟

(ج) اولاً نمی‌شود که یک دولت اسلحه صادر نکند و دیگران صادر بکنند، یعنی به نفع آنهاست و به ضرر ماست. باید صدور اسلحه را به طور دسته جمعی منع کرد و به تنهایی فایده‌ای ندارد، مثلا ما موشک صادر نمی‌کنیم، ولی خوب کره شمالی یک کشتی پر از موشک آورد و در ایران پیاپی کرد و پول زیادی هم گرفت. ما مطابق قراردادهایی که با آمریکا داریم مقدار اسلحه‌مان را تقطیل خواهیم داد، بنابراین تا یک و تقریباً زرمی زیادی می‌ماند در صورتی که تقاضا برای خرید هست و ما هم از حیث ارز و وضعیتمان چندان خوب نیست. خوب می‌فروشیم، اگر ما نفروشیم دیگری می‌فروشد.

(س) خوب این در مجموع باعث می‌شود، تشنج در جهان کاهش پیدا نکند. (ج) صحیح است، ما چند بار پیشنهاد کردیم، و از طرفی یلتسین هم در سخنرانی خودش گفته بود که باید قراری در مورد فروش اسلحه گذاشت و آن را تحدید کرد و محدودیتی برای فروش قائل شد، ولی اینکار را باید دولت‌هایی که اسلحه‌ساز هستند به طور دستجمعی انجام دهند.

(س) قبلا که در جهان استعمار کهن حکمفرمایی می‌کرد، ثروت‌های کشورهای مستعمره مستقیما به یقین می‌رفت ولی حالا به طور غیرمستقیم. نفت هر بشکه ۱۵ دلار است که می‌شود گفت تقریباً جهانی است. چرا که اولاً ۲۰ دلار از قیمت ۱۵ سال پیش کمتر است، تازه ارزش دلار ۴۰ - ۵۰ درصد پایین آمده است، از این ۱۵ دلار ۳۰ - ۳۵ درصد صرف مخارج استخراج می‌شود، و ۵۰ درصد بقیه آن هم صرف خرید سلاح می‌گردد، خوب دیگر چیزی برای مردم باقی نمی‌ماند!

(ج) خوب این سیاست دولت‌هاست که نفت می‌فروشند و

اسلحه می‌خرند. (س) بله، ولی اگر در جهان امنیت بیشتری برقرار بشود، دیگر دولت‌ها بهانه‌ای برای خرید سلاح ندارند، مثلا الان در آمریکا صحبت از این است که با رفع "خطر شوروی" بودجه نظامی تا یک دوم کاهش یابد...

(ج) کاملا موافق هستم ولی باز هم تکرار می‌کنم که این مسئله را دولت روسیه نمی‌تواند حل بکند و یا تاثیر داشته باشد. متأسفانه، اگر تولید کننده اسلحه فقط ما بودیم، بله تقصیر ما بود و می‌شود پرسید چرا اسلحه می‌فروشید؟ ولی اینطور نیست حالا همه تولید می‌کنند. از آمریکا و اروپا و غیره و غیره. باید کاری کرد که دولت‌ها نخزند چرا که فایده‌ای ندارد. من به شما بگویم که امروز بوسیله اسلحه هیچ مسئله‌ای را نمی‌شود حل کرد. جنگ هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. اگر از قدرت‌ها جنگ بکنند همه دنیا از بین می‌رود ولی اگر این کشورهای کوچک جنگ بکنند هیچ فایده‌ای ندارد، مثلا جنگ ایران و عراق چه فایده‌ای داشت.

میلیاردها دلار خرج شد، صدها هزار نفر کشته شدند و معلول شدند، بی‌خانمان شدند. این را باید این دولت‌ها بفهمند. البته دولت‌های بزرگ هم مسئولیت دارند و در این مورد من با شما موافقم ولی در این شرایط امکانات بیشتر در دولت‌های این ممالک است. این اسلحه‌ای که این دولت‌ها می‌خرند و انبار می‌کنند چه فایده‌ای دارد؟ اولاً برای آمریکا و شاید هم برای شوروی (سابق) دو فایده دارد، یکی ارز و یکی هم اینکه سلاح‌های کهنه شده را می‌فروشند و سلاح جدید تولید می‌کنند. کدام دولت، آمریکا، چه وقت سلاح جدید خود را به کسی فروخته است. فقط در صورتی که سلاح جدیدتری وجود آید این سلاح را می‌فروشند، ممالکی که اسلحه می‌خرند باید بدانند که این سلاح‌ها مدرن نیست. سلاحی است که از کار افتاده است و از رده خارج شده است.

ما می‌توانیم ۲۹ را چندین سال است که اختراع کرده‌ایم، ولی حال این را می‌فروشیم، چند میلیون قیمت دارد، شما هم چند میلیون بدهید، بخرید. ولی سالهاست که این هواپیما ساخته شده بود و کسی نمی‌دانست. شاید دولت‌های بزرگ از راه جاسوسی خبر داشتند ولی کامل نبود چون وقتی ما این هواپیما را بردیم پاریس، مطبوعات آمریکا و فرانسه تعجب کردند که چنین هواپیمای خوبی از هر حیث هست. بنابراین سلاح‌هایی که فروخته می‌شود، سلاح‌های درجه اول نیست و فایده‌ای ندارد و فقط باعث می‌شود طمع پیدا بشود که دولتی بخواهد همسایه را اشغال بکند و از آن هم چیزی در نمی‌آید چون فوراً همسایه یک دوستی پیدا خواهد کرد که به او کمک خواهد کرد. همانطور که با عراق شد. بنابراین این مسئله مربوط به سیاست داخلی است. سیاست دولت‌هاست که باید خودداری بکنند و بفهمند که بوسیله اسلحه هیچ کاری در دنیا امروز نمی‌توانند بکنند. اگر اسلحه هسته‌ای داشته باشند همه را از بین می‌برند و اگر نداشته باشند ممکن است نصف جمعیت کشور را به کشتن بدهند و ثمره‌ای نخواهد داشت.

(س) در زمینه مناسبات اقتصادی در جهان، می‌دانید که مصادرنکننده نفت هستیم و دومین مقام را هم در سازمان اوپک داریم. مسئله فروش مواد

اولیه از جمله نفت از سوی کشورهای چون ایران و تعادل اقتصادی جهان، در نظم نوین جهانی به چه صورت خواهد بود، آیا فشار روی کشورهای مثل ما خواهد بود که نفتمان را ارزان تر بفروشیم و یا ما می‌توانیم نفتمان را به قیمت واقعی اش بفروشیم؟

(ج) من فکر می‌کنم، مسئله نفت هم مثل مسئله اسلحه است، که اگر مثلا ایران یا سعودی بخواهد گران تر بفروشد، نمی‌تواند چرا که فوراً مملکت همسایه تولیداتش را بیشتر می‌کند و جای آن را می‌گیرد. بنابراین حالا که سازمان اوپک هست، فقط ما می‌تواند در این راه اقدام بکند و من فکر می‌کنم که مسئله عمده سرتولید و فروش نفت نباشد. البته این اهمیت دارد ولی نه چندان، اهمیت قطعی در این است که این دلارهای نفتی به نفع مردم این مملکت، به نفع خلق صرف شود. مثلا ببینید زلزله‌ای که در این ممالک می‌شود، عده زیادی را از بین می‌برد، همان زلزله مثلا در اتحاد شوروی سابق یا در جاهای دیگر تلفاتش کمتر است. چرا؟ چونکه خانه‌های گلی همین که تکان می‌خورد، این کاه گل می‌افتد و آدم و او را از بین می‌برد. آیا نمی‌شود با این دلارهایی که از بابت نفت می‌گیرند برای دهقانان خانه بسازند. در ممالک جنوب خانه‌سازی خیلی کم خرج‌تر از شمال است. در روسیه شما نمی‌توانید خانه‌های بسازید که بخاری نداشته باشد و دیوارش ضخیم نباشد و غیره. چرا که در غیر اینصورت مردم از سرما تلف می‌شوند. ولی در ایران یا ترکیه شما می‌توانید یک دیوار بتونی بگذارید و بالا هم بتون باشد تا دهقانان در آن زندگی بکنند. همانطور که در سال‌های اول بعد از انقلاب در کوبا، فیدل کاسترو تمام مملکت را از حیث خانه در ظرف یک سال، یک سال و نیم تامین کرد. اینهاست که این پول‌های نفت باید البته به نفع مردم مصرف بشود. هر کس بیشتر به نفع مردم کار کرد، موافقت مردم با اوست. این عقیده من است.

(س) اما مسئله روابط اقتصادی بین کشورها چه خواهد شد؟ (ج) این روابط باید به نفع طرفین باشد. راه دیگری نیست. همینطور هم بودم قیر از روابط با کشورهای مستعمره به نفع من است که از شما نفت بخرم، من نمی‌خرم از دیگری می‌خرم. (س) حالا در چارچوب سازمان اوپک، که الان یک وسعت بزرگی از آسیای میانه را در برمی‌گیرد، ما می‌توانیم منافع خودمان را با شرایط بهتر هر ضه کنیم و از لحاظ اقتصادی منافع بیشتری را با تقویت اوپک کسب کنیم؟

(ج) البته اگر برنامه صحیحی تنظیم بشود، خیلی هم خوب می‌توان اینکار را به پیش برد. شما ببینید مثلا جمهوری‌های مستقل ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان هم مستقل هستند و این تماس‌ها باید از روی نفع متقابل باشد. همینکه مسئله سیاسی پیش بیاید چیزی حاصل نمی‌شود.

(س) بعد مسئله آذربایجان. الان در آذربایجان صحبت‌هایی می‌شود در مورد وحدت دو آذربایجان و نیروهای افراطی‌ای هستند که این مسائل را مطرح می‌کنند، شما فکر می‌کنید که این مسئله چه تاثیری در روابط دو کشور خواهد داشت؟

(ج) عقیده من این طور است، در ایران در حدود ۲۰ - ۲۵ میلیون آذربایجانی هست، اگر قشقایی‌ها را هم حساب بکنید ۲۵ میلیون میشود... (س) قشقایی‌ها؟ (ج) بله، من این مسئله را نمی‌دانستم تا سال ۱۹۷۴، من نمیدانستم. در سال ۷۴ با هیئت فرهنگی به اصفهان رفته بودیم. در آنجا دو نفر را دیدم که با هم صحبت می‌کنند پرسیدم شما با چه زبانی با یکدیگر صحبت می‌کنید، ادامه در صفحه ۹

جمهوری‌ها بیشتر مایلند که دلار بگیرند و برای اجناس خودشان دلار می‌خواهند و جنس بدشان هم که خوب به دردمانی خورد.

(ج) این وابسته به معامله است... (س) نفت ما چه کمکی می‌تواند به گسترش معامله بکند؟ (ج) ترکمنستان خودش صادرکننده نفت است، آذربایجان نفت صادر می‌کند، در ازبکستان منطقه نفت خیز خیلی بزرگی کشف شده است. قزاقستان هم بعد از چند سال نفت خودش را تامین خواهد کرد و حتی صادر می‌کند، ولی جمهوری‌های دیگر احتیاج به نفت دارند. مثلا اوکراین احتیاج به نفت دارد، می‌شود به اوکراین فروخت. البته آنجا هم مشکلات حمل و نقل نفت است. در هر صورت روابط اقتصادی وابسته به معامله است. یکی دلار می‌خواهد، شما اگر نمی‌خواهید بدهید، ندیدید، من دلار نمی‌دهم ولی برنج می‌فروشم یا قهوه. باید معامله کرد.

(س) ولی آیا روابط اقتصادی کشورهای سازمان اوپک می‌تواند صرفه‌تر از روابط با غرب بشود تا از این راه، رقیبی برای غرب بوجود آید و بدین ترتیب نفعی بیشتر به کشور ما برسد و باعث شود اهرمی برای فشار به مشتریان غربی بوجود آید که نفع ما را در نظر بگیرند؟

(ج) موضوع همین است، حتی این سازمان می‌تواند تصمیم بگیرد که مثلا پنبه ازبکستان را ۱۰ درصد ارزان تر به اعضای این سازمان بفروشد. ۶ میلیون تن تولید پنبه در سال دارند. در چارچوب اوپک البته می‌توان کارهای زیادی کرد. امکان هست و البته ما نمی‌توانیم همه اینها را پیش‌بینی بکنیم و این وابسته به این است که کار به نفع طرفین پیش برود و اینجور نباشد که کسی بخواهد نفع بیشتری از طرف دیگر داشته باشد. مسئله مهم دیگری که در اوپک وجود دارد مسئله ایدئولوژیک کردن اوپک است...

گمان می‌کنم که از این چیزی در نمی‌آید چرا که آنجا هم شیعیان هستند و هم سنی‌ها. اگر مسئله سیاسی پیش بیاید به عقیده من این سازمان به هم خواهد خورد. چون میدانید منافع اقتصادی فرق دارد. حالاً می‌توانیم جمهوری‌هایی که در خاک شوروی سابق وجود آمده‌اند نمی‌توانند خودشان را به ایران یا ترکیه یا کشور دیگر تحویل کنند. ما مسئله سیاسی را در روابط خارجی از بین بردیم. این تماس‌ها باید از روی نفع متقابل باشد. همینکه مسئله سیاسی پیش بیاید چیزی حاصل نمی‌شود.

(س) بعد مسئله آذربایجان. الان در آذربایجان صحبت‌هایی می‌شود در مورد وحدت دو آذربایجان و نیروهای افراطی‌ای هستند که این مسائل را مطرح می‌کنند، شما فکر می‌کنید که این مسئله چه تاثیری در روابط دو کشور خواهد داشت؟

(ج) عقیده من این طور است، در ایران در حدود ۲۰ - ۲۵ میلیون آذربایجانی هست، اگر قشقایی‌ها را هم حساب بکنید ۲۵ میلیون میشود... (س) قشقایی‌ها؟ (ج) بله، من این مسئله را نمی‌دانستم تا سال ۱۹۷۴، من نمیدانستم. در سال ۷۴ با هیئت فرهنگی به اصفهان رفته بودیم. در آنجا دو نفر را دیدم که با هم صحبت می‌کنند پرسیدم شما با چه زبانی با یکدیگر صحبت می‌کنید،

اصول ثابت توسعه سیاسی

ادامه از صفحه ۷

نمی‌دهد. ما در این قسمت میان توسعه اقتصادی و آرامش اقتصادی تفاوت قابل هستیم. آرامش اقتصادی لزوماً تابع صنعتی شدن و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته نیست بلکه تابع شناخت دقیق و عملی کردن پارامترهای مربوط به بافت اقتصادی هر جامعه است. روشن شدن منافع ملی و اهداف عمومی به روان‌سازی اقتصاد يك کشور كمك می‌کند. جوامعی که بتوانند نیازهای اولیه مردم خود را تأمین نمایند. زمینه‌های بعدی رشد و توسعه را چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی فراهم خواهند آورد. بنابراین، آرامش اقتصادی و مالی زمینه‌ساز توسعه فرهنگی و نهایتاً توسعه سیاسی است، زیرا افراد دور از دغدغه خاطر و بی‌اطمینانی‌ها و مخاطره‌ها، بهتر می‌اندیشند، بهتر تصمیم می‌گیرند و بهتر آموزش می‌بینند.

۱۱- تصمیم‌گیری مبتنی بر اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری باشد. معمولاً انسانها انبوهی از منافع، احساسات، تعصبات و در عین حال محاسبه‌ها، تجربه و تحلیلها و گرایشهای عقلایی، همراه با ارزشها رابه پروسه تصمیم‌گیریهای خود وارد می‌کنند. براساس مفروض مقاله، توسعه سیاسی پیچیده‌ترین نوع توسعه و جامعه توسعه‌یافته از نظر سیاسی تکامل‌یافته جامعه شناخته میشود. در چنین جامعه‌ای، طبیعتاً می‌بایست کفه محاسبه و عقل و تحلیل بر کفه احساس و تعصب سنگینی نماید و انسانها در جریان تصمیم‌گیریهای فردی و اجتماعی و تخصصی خود، به فکر «رشد» و «توسعه» و «بهبود» و حرکت از وضع فعلی به وضع مطلوب باشند. به عبارت دیگر، بهینه‌سازی، مطلوبیت و تکامل باید در یکایک افراد جنبه نهادی به خود گرفته باشد. چنین انسانهایی خود را محور قرار نخواهند داد و چه از حیث استدلالی و چه از لحاظ اخلاقی،

زمینه‌های اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری در آنها پدیدار خواهد شد. اگر ما تصحیح و تکامل را از انسان بگیریم، انسانیت را از او سلب کرده‌ایم. بنابراین، طبیعی است که انسانها اشتباه کنند و در يك پروسه سعی و خطا به تصحیح خود بپردازند. اگر زمان، تجربه، فراگیری و خطاکاری را نیز از انسان بگیریم، انسانیت را از او گرفته‌ایم و این غیرطبیعی است. نتیجه می‌گیریم که پس از پذیرفتن کلیاتی مانند تجربه و تفکر و خطاکاری، در يك جامعه توسعه‌یافته سیاسی، افراد به سمت تصحیح خود و دیگران حرکت می‌کنند. در شرایط سالهای پایانی قرن بیستم شاید نتوان لغتی عمیق تر از لغت «تصمیم» پیدا کرد زیرا داده‌هایی که به يك تصمیم منجر می‌شوند ده‌ها بلکه صدها شرط و نظریه را در خود جای می‌دهند. به همین دلیل است که در بحث اصلاح‌پذیری و اصلاح‌نگری، ما لغت «تصمیم» را انتخاب کرده‌ایم و از میان شاخصهای مهم يك جامعه توسعه‌یافته از نظر سیاسی، مطلوبیت و تکامل تصمیمها را مورد توجه قرار داده‌ایم.

۱۲- انتخاب افراد براساس رقابت، تواناییها و لیاقت صورت گیرد. از مباحث مهم توسعه، مسئله «مجرى» یا «مجریان» توسعه است یعنی در چارچوب سیاسی، اداری و اقتصادی يك جامعه، اجراکنندگان توسعه چه کسانی هستند و از چه ویژگیهایی برخوردارند؟ آیا این افراد به توسعه معتقدند؟ آیا آنها ابزار و شرایط و فراز و نشیبهای توسعه را می‌شناسند؟ در عصر کنونی، موضوع پرسش فکری و اداری (اجرایی) توسعه (نسبت به دهه‌های گذشته) از اهمیت بالاتری برخوردار شده است. در هر دو سطح از نیازهای پرسش، ضرورت وجود و استخدام افرادی که يك دید جامع و بین‌المللی نسبت به توسعه داشته باشند، اولویت دارد. از يك طرف، تواناییها و لیاقت افراد در ستمهای کلیدی فکری و اجرایی توسعه يك جامعه مطرح است و از طرف دیگر، شیوه انتخاب و انتصاب این افراد اهمیت دارد. جامعه‌ای در مسیر توسعه سیاسی پیش می‌رود که نسبت به ظرفیتهای شخصیتی و بینشی و رفتاری افرادی که ستمهای مهم فکری و اجرایی را در اختیار دارند، حساسیت دارد زیرا عمدتاً از طریق تشعشعات و ترشحات فکری و رفتاری این شخصیت‌های تعیین‌کننده است که جامعه روح، توان، آینده‌نگری و ارزشها را به مرحله فعلیت درمی‌آورد. شیوه دستیابی به این ستمهای کلیدی نیز خود از مراحل مهم توسعه سیاسی است. رقابت تواناییها و لیاقتها بهترین شیوه‌ای است که می‌تواند روح کار و فعالیت، امید به آینده و ارتقاء سطح کارایی در امور را فراهم آورد. بنابراین، در سیر تکاملی يك جامعه به سوی توسعه سیاسی، حساسیت و وسواس فراوان نسبت به لیاقت و تواناییهای افرادی که الگوی رفتاری جامعه قرار می‌گیرند از شاخصهای تعیین‌کننده است.

ج : نتیجه

هدف این مقاله، طرح زمینه‌هایی برای حرکت در مسیر توسعه سیاسی بوده است. این زمینه‌ها یا شاخصها، در دوازده اصل به هم مرتبط و به هم پیوسته مورد بررسی قرار گرفت. اگر بخواهیم بر کاربرد بودن این مجموعه دوازده گانه نظری بیافکنیم، در واقع این دوازده میدان متداخل می‌بایستی با توجه به ویژگیهای عمومی و بافت اجتماعی - فرهنگی هر جامعه مورد بهره‌برداری قرار گیرند. به عبارت دیگر، تقدم و تأخر این اصول دوازده گانه تابع بافت و وضعیت فرهنگی يك جامعه است. توسعه سیاسی از آنجا که محل تقارن منافع يك گروه یا گروهانی از یکسو و منافع و مصالح عمومی از سوی دیگر است، مشکلیترین شکل حرکت به طرف عقلایی شدن رفتارها و برخوردهای يك جامعه می‌باشد. به همین دلایل در میان اصول و شاخصهای دوازده گانه، صحبت از آموزش عمومی، هویت عمومی، منافع جمعی، شخصیت فردی و تکیه بر تواناییها و لیاقت به میان آمده است. يك جامعه در مسیر توسعه سیاسی باید بر پایه دوراندیشی زحمتی را متحمل شود، ساختارهایی بنا کند و طبعاً خود را با دقت و ظرافت تربیت نماید و از صافیهای متعدد بگذراند تا به طور نسبی به سر منزل مقصود برسد و آینده امیدبخشی برای خود فراهم سازد. بنابراین، تربیت، مکانیسمهای تربیتی و الگوهای فکری و رفتاری در کنار شکلهای اجتماعی هویا و عقلایی، لوازم مشترک جوامعی هستند که علاقمند به توسعه سیاسی می‌باشند.

کره جنوبی: آن سوی چهره پیشرفت

ستؤل، پایتخت کره جنوبی، اینک در میان شهرهای کثیف دنیا مقام سوم را داراست، شهری فرورفته در قفاری از اکسید گوگرد، سرب، کادمیم و گاز کربنیک. این آن روی سکه توسعه اقتصادی لحام گسیخته و بی‌وقته سی سال اخیر است. اما دانشمند علاقمندی به محیط زیست همچون یوجی هیون هم نمی‌داند که آیا کره جنوبی راه دیگری هم میتواند برود. او می‌پرسد: «سی سال پیش ما به عنوان یکی از کشورهای فقیر دنیا چه راه دیگری را می‌توانستیم انتخاب کنیم؟ آن زمان، یعنی در دهه پنجاه و آغاز دهه شصت کره جنوبی در اوج ورزشکستگی و ناتوانی تنها با حمایت آمریکا سر پا ایستاده بود و درآمد سرانه‌اش از ۱۰۰ دلار فراتر نمی‌رفت.

اینک سیس از ۳۰ سال، کره جنوبی بعنوان دوازدهمین قدرت اقتصادی دنیا یکی از بزرگترین سازندگان کشتی، فولاد و وسایل الکترونیکی به شمار می‌رود. در واقع در میانه دهه شصت بود که پارک چونگ هی، دیکتاتور وقت کره جنوبی با اعلام اینکه سیاست صنعتی کشور باید سمگتری صادراتی داشته باشد، کره را در مسیر پیشرفت صنعتی انداخت. چونگ هی با بهره‌گیری از ارزانترین نیروی کار و سرزیرری و قناعت کارگران، با اطمینان اعتبارات ویژه به کنسرنهای بزرگ و با استثمار بی‌امان انسان و طبیعت، کره جنوبی را به راهی هدایت کرد که «سرمشقی» برای پیشرفت شده و از شاگردان ممتاز بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شمار می‌آید. اما پیامدهای ناشی از این شیوه پیشرفت، کره را به لحاظ محیط زیست در پرتگاه ویرانی قرار داده است. شورای کلسای پرورستان کره جنوبی اخیراً در يك ارزیابی از وضع محیط‌زیست به این نتیجه رسیده است که: «کره در مناسب‌ترین مسیر برای تبدیل شدن به یکی از کثیف‌ترین کشورهای دنیا قرار دارد». برپایه تازه‌ترین برآوردهای دانشگاه ملی ستؤل تنها مقدار اکسید گوگرد هوای کره چهار برابر میزان استاندارد است. سوی سازمان بهداشت جهانی، میزان مجاز تعیین شده است. عوامل اصلی آلودگی دم‌افزون هوای کره جنوبی عبارتند از پخش بی‌رویه گازهای ناشی از سوخت‌های فسیلی در کارخانه‌ها و خانه‌ها در هوا و نیز افزایش سرسام‌آور خودروهای شخصی. در حالیکه در سال ۱۹۸۵ اداره راهنمایی و رانندگی کره جنوبی مجموعاً برای نیم میلیون وسیله نقلیه شخصی مجوز صادر کرده، این رقم در سال گذشته به ۴ میلیون نفر رسیده و اگر وضع به همین گونه ادامه یابد تا سال ۲۰۰۰ به ۱۶ میلیون خواهد رسید.

سیاست دولت کره جنوبی سوق دادن مردم به سوی استفاده از خودروهای شخصی است تا آنجا هر چه بیشتر از رفاه و وقت آزاد خود لذت برند. «

پرسور کیم چونگ کو بر این باور است که: «پیشینیان ما عقیده داشتند که نه زمین به انسان، بلکه انسان به زمین تعلق دارد.» این باور در طول سده‌ها

در آموزش یا آموزش بودا موجب حفاظت و پاسداری انسان‌ها از طبیعت بوده است. اما از دهه ۶۰ کره در جاده یکطرفه نوسازی چهارتعل می‌تازد، به گفته یک کارشناس کره‌ای بحران محیط زیست که اینک گریبانگیر کره است، از آغاز سالهای دهه ۸۰ پیش‌بینی‌پذیر بود. اما دولت کره نه تنها هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای انجام نداد، بلکه دست کنسرنهای بزرگ را در آلوده ساختن محیط زیست بیش از پیش باز گذاشت. هم‌اکنون ۷۰ درصد پسابهای صنعتی وارد جریانات آبی میشوند از این رهگذر بسیاری از رودخانه‌ها و رودها عملاً مرده‌اند و آب لوله کشی را باید با کراه سر کشید.

در میان وزارت نویناد محیط زیست که با مسائل و مشکلات بسیاری باید دست و پنجه نرم کند، به سختی قادر به رویارویی با «ایدئولوژی پیشرفت» وزارتخانه‌های مقتدر تجارت و اقتصاد است. درست پیش از آغاز همایش ریودوژانیرو درباره محیط زیست، دولت کره جنوبی یکبار دیگر تعهد خود نسبت به حفظ محیط‌زیست را مورد تأکید قرار داد. برای کاهش گازهای گلخانه‌ای در جو دولت کره قصد دارد که ۳۵۰ میلیون دلار در صنایع مربوط به حفظ محیط زیست و ویژه در راستای یافت جایگزینی برای گاز FCKW (گازی مرکب از فلور، کلر، کربن و نیتروژن که موجب نابودی اوزون جو و در نتیجه رسیدن اشعه‌های خطرناک به زمین می‌شود) سرمایه‌گذاری کند. کره به عنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان FCKW سال گذشته ۲۴۷۰۰ تن از این گاز را صادر کرده که این رقم در سال ۱۹۹۲ به ۳۸۰۰۰ تن خواهد رسید.

کره جنوبی به رقم امضای قرارداد مونترال در زمینه کاهش گاز FCKW هنوز هیچ اقدامی در این راستا انجام ن داده است. در واقع منافع و هلاکت اقتصادی مانع از آن است که دولت‌مداران کره به گونه‌ای جدی و پیگیر به تعهدات خود پایبند بمانند و در زمینه اجرای پیمان مونترال گام اساسی بردارند. برپایه برآورد یک بنیاد پژوهشی زبان ناشی از عدم به کارگیری FCKW در صنایع خودروسازی و الکترونیک به ۲ میلیارد دلار سر خواهد زد.

یک کارشناس کره‌ای بر آن است که برای جلوگیری از آلودگی بیشتر زیست‌بوم (محیط‌زیست) باید سیاست توسعه اقتصادی کشور را دگرگون کرد و از جهت‌گیری صادراتی، صنایع سنگین و بلندپروازی‌های اقتصادی فاصله گرفت. در عوض باید صنایع سبک و نیمه سنگین را مورد حمایت قرار داد. گروه‌های هوادار محیط‌زیست در کره نیز بر این باورند که تنها یک چرخش اساسی در ساختار صنعتی کشور می‌تواند هماهنگی لازم میان حفظ محیط‌زیست و پیشرفت اقتصادی را فراهم آورد. اما دولت کره جنوبی هنوز گوش بدمکار این حرف‌ها نیست.

برگرفته از روزنامه آلمانی تنظیم از ج. سعادت Taz

گفتگو با یک کارشناس مسائل ایران

ادامه از صفحه ۸

گفتند با زبان تشقابی، همان آذربایجانی ما بود فقط لاله بود. در آذربایجان هم اشخاصی که در باکو هستند، صحبتشان با ساکنین گنجه فرق دارد، در هر صورت وقتی همه اینها را حساب بکنیم تقریباً ۲۵ میلیون می‌شوند. ۶-۸ میلیون هم در جمهوری آذربایجان هستند. بیش از ۳۰ میلیون آذربایجانی هست. اینجا در دو مملکت متفاوت با رژیم‌های متفاوت هستند. حالا اگر ما مسئله وحدت را به میان آوریم، باز هم همان مسئله سیاسی به میان می‌آید که چیزی از آن در نمی‌آید. این به ضرر روابط دو مملکت تمام خواهد شد. بنابراین من فکر می‌کنم که طرح این مسئله صحیح نیست، بلکه ضرر هم هست. چه چیز را باید طرح کرد؟ به عقیده من مثلاً روابط فرهنگی، روابط ورزشی، که این دو ملت نزدیک با یکدیگر بتوانند با هم رفت و آمد و معاشرت داشته باشند. در دنیای امروز این مهم نیست که برای دوستی با من این سرحدتان را از بین ببرید. ما می‌توانیم این سرحد را قابل نفوذ بکنیم که رفت و آمد آزاد بشود. که من بتوانم پیش شما بیایم و شما پیش من. این را باید در نظر بگیریم، این مهم است.

اینجا صحبت بر سر این است که سرحد بگذاریم، مثلاً بین آذربایجان و دیگر مناطق ایران ...

آن هم لازم نیست. به عقیده من، آذربایجان ایران است. فقط این روابط فرهنگی، دوستی باید آسان بشود. روابط فرهنگی، اقتصادی، و این زیاد روی است که بنیای ما با آذربایجان ایران متحد بشویم. چطور ممکن است متحد بشویم. معولستان را در نظر بگیرید. یک قسمت معولستان در چین است ولی اینها که متحد نشدند و یکجا نشدند و هیچ کس این مسئله را طرح نکرد که شما متحد شوید. خیلی روابط خوبی دارند و رفت و آمد می‌کنند ولی دو دولت به اصطلاح جداگانه. اینجا هم همینطور. من فکر می‌کنم که اگر این مسائل را طرح بکنند اختلاف بوجود می‌آید. بعد خوب فارس‌ها در ایران، عادت کرده‌اند که مملکتشان ایالتی دارد به نام آذربایجان. کدام فارس راضی خواهد شد که این آذربایجان را از آنها بگیرند و به جمهوری آذربایجان ملحق بکنند، گمان نمی‌کنم. اینجا همه‌اش دشمنی و مخالفت بوجود می‌آورد و اینجا همه هست. برای مردم هیچ اهمیتی ندارد. من آذربایجانی هستم برای من چه اهمیتی دارد که بروم پیش رفیقم در تبریز و بگویم تو هم با من در یک مملکت هستی و یا دو مملکت. او دوست من است و من با او دوستی می‌کنم. برای من هیچ فرقی ندارد که او جزو ایران است یا جزو جمهوری آذربایجان. هیچ فرقی نمی‌کند فقط معاشرت باید باشد. من فکر می‌کنم که طرح این مسائل صحیح نیست و اشتباه بزرگی است.

اتاقی اهل اوغلی از شما

به خاطر شرکت در این گفتگو متشکرم.

۱- در این رابطه در مورد ... ۲- ... ۳- ... ۴- ... ۵- ... ۶- ... ۷- ... ۸- ... ۹- ... ۱۰- ... ۱۱- ... ۱۲- ... ۱۳- ... ۱۴- ... ۱۵- ... ۱۶- ... ۱۷- ... ۱۸- ... ۱۹- ... ۲۰- ... ۲۱- ... ۲۲- ... ۲۳- ... ۲۴- ... ۲۵- ... ۲۶- ... ۲۷- ... ۲۸- ... ۲۹- ... ۳۰- ... ۳۱- ... ۳۲- ... ۳۳- ... ۳۴- ... ۳۵- ... ۳۶- ... ۳۷- ... ۳۸- ... ۳۹- ... ۴۰- ... ۴۱- ... ۴۲- ... ۴۳- ... ۴۴- ... ۴۵- ... ۴۶- ... ۴۷- ... ۴۸- ... ۴۹- ... ۵۰- ... ۵۱- ... ۵۲- ... ۵۳- ... ۵۴- ... ۵۵- ... ۵۶- ... ۵۷- ... ۵۸- ... ۵۹- ... ۶۰- ... ۶۱- ... ۶۲- ... ۶۳- ... ۶۴- ... ۶۵- ... ۶۶- ... ۶۷- ... ۶۸- ... ۶۹- ... ۷۰- ... ۷۱- ... ۷۲- ... ۷۳- ... ۷۴- ... ۷۵- ... ۷۶- ... ۷۷- ... ۷۸- ... ۷۹- ... ۸۰- ... ۸۱- ... ۸۲- ... ۸۳- ... ۸۴- ... ۸۵- ... ۸۶- ... ۸۷- ... ۸۸- ... ۸۹- ... ۹۰- ... ۹۱- ... ۹۲- ... ۹۳- ... ۹۴- ... ۹۵- ... ۹۶- ... ۹۷- ... ۹۸- ... ۹۹- ... ۱۰۰- ...

باخوانندگان

معرفی چند کتاب رسیده به نشریه

* «شاهران مهاجر و مهاجران شاعر»

گردآورنده ضمن معرفی اشعاری از اکثر شعرا و سرایندهگان ایرانی خارج از کشور، هم با توضیحی که در اول کتاب آورده است و هم با نوشتار منضم شده به آخر این مجموعه، نشان میدهد که شعر مهاجر واقعیتی است پویا و بخش ارزشمندی از گنجینه ادبی میهنمان که بر فضای آن پیوسته افزوده شده است. برای آقای میرزا مسگری، موفقیت آرزو می کنیم.

میرزا آقا مسگری (مانی)

معرفی کتاب (جلد سوم) جلد سوم «معرفی کتاب»، حاصل کار آقای معین الدین محرابی است که در آن نام ۳۲۰ کتاب از کتابهای فارسی منتشره در خارج کشور طی فاصله زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ درج شده است. آقای محرابی، زیر هر عنوان از کتب معرفی شده، شناسنامه هر کتاب را هم آورده اند. این گردآوری، در آگاهی جامعه فرهنگی میهنمان به مجموعه آنچه که دستاورد رنج و کوشش این جامعه است، کمک ارزشمندی می‌رساند. با آرزوی موفقیت برای آقای محرابی، بخشی از اطلاعاتی را که به امضای ایشان و همراه این کتاب منتشر شده است به آگاهی خوانندگان عزیز می‌رسانیم.

تالیف جلد چهارم و جلدهای بعدی معرفی کتاب که در مجموع می‌تواند کارنامی فعالیت‌های مترجمان، ناشران و صاحبان جراید در خارج کشور بوده باشد، از یکایک شما عزیزان درخواست می‌گردد تا با ارسال نسخه‌ای از آثاری که برای اولین بار در خارج کشور انتشار داده‌اید، ما را در ثبت کتاب و واحدیابی موضوعی آن یاری دهید. همچنین، جهت تدوین و تالیف فهرست جراید فارسی خارج کشور، تحت عنوان (معرفی جراید و مطبوعات)، و نیز در کتابی جداگانه، فراهم آوردن (فهرست مقالات فارسی در مطبوعات خارج کشور)، یاری مدیران جراید را می‌طلبیم و از آنان تقاضا داریم تا با ارسال نشریات و مجلاتی که منتشر نموده‌اند، ما را در ثبت دقیق مقالات، و زمان نگاری و مشخصات دیگر نشریات یاری نمایند.

* گام‌بو

این کتاب شامل ده داستان کوتاه از آقای فریدون احمد (ابوالحسن زاده) است. موضوع این داستان‌ها، زندگی مهاجران سیاسی است که نویسنده بادیگاه خود به آنها پرداخته است. این کتاب به آن مجموعه تلاش تعلق دارد که به جهت اهل ذوق در خارج از کشور، هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. موفقیت آقای فریدون احمد را آرزو مندیم.

عاشقانه

نه بر مرگ ظفر توانم یافت

نه بر نیرومندی رودی که غرقه در آنم.

نه در مواریدی توانم درخشید!

نه در سرنوشتی که غرقه در آنم

اگر که از تو تهی باشم.

بی درختی که تویی

میوه‌ای نخواهم بود

بی دریایی که تویی

خیزابه‌ای نتوانم بود.

و نه آموزنده‌ای

بی آموزگاری که تویی

و نه آفریده‌ای

بی آفریدگاری که تویی

آسمانی تو

گسترده و دلپذیر -

که می‌آفریند خورشید را

در بدایت خویش

و می‌میراندش

در نهایت خویش!

ازین روی!

شباهنگام

سر بر کوه کتابها و کلماتم نهاده

- می‌میرم

و بامدادان

از ژرفای رؤیای تو

زنده می‌شوم

مردادماه ۱۳۶۸

شونیزم شاخ و دم ندارد

سربی رژیم صیادان ترکمن را به خاک و خون می‌کشد. (اشاره به قتل فجیع ۳ ماهیگیر ترکمن کمش‌تپه در فروردین سال جاری)

هیئت واگذاری زمین، اراضی زراعی ترکمن‌ها را که با جانفشانی شهیدانی چون توماچ‌ها، از دست ژنرال‌های ستاره‌بدوش شاه بازیس گرفته شده بود، دوباره توسط رژیم آخوندی به افراد فیرومی واگذار میکند. در این خصوص می‌توان به اطلاعاتی که در روزنامه‌های رژیم - اطلاعات ۱۷ دی ۷۰ - رجوع نمود. شرکت کشاورزی و دامپروری یولاف وابسته به بنیاد مستضعفان بندر ترکمن، گوسفندان ترکمن را در معرض حراج و مزایده عمومی قرار می‌دهد. موسسه کشاورزی و دامپروری گنبد وابسته به بنیاد جانبازان ۷۰ تن پشم گوسفند و شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی گنبد حتی به کیسه‌های خالی ما رحم نکرده، یک میلیون تخته آن را در معرض مزایده عمومی قرار می‌دهد (کیهان ۱۰ اردیبهشت ۷۱).

اخیرا وزارت کشور طرح تشکیل استان جدید - قسمت شرق مازندران، مناطق ترکمن نشین - را تسلیم هیئت وزیران نمود. با اینکه طبق آمار منتشره از سوی خود رژیم استعدادهای بالقوه شهرستان گنبد جهت مرکزیت استان جدید ۳ - ۲ برابر گرگان میباشد. رژیم با لجاجت تمام بر اینکه بنام ترکمن‌ها استانی تشکیل نشود و حتی مرکز آن شهر ترکمن نشین گنبد قابوس نباشد، شهر گرگان را که فاصله غربی‌ترین تا شرقی‌ترین نقطه آن نسبت به دو قسمت استان ۵۰ و ۲۵۰ کیلومتر را می‌خواهند انتخاب نمایند در حالیکه فاصله گنبد قابوس نسبت به دو قسمت استان درست در وسط آن یعنی ۱۵۰ کیلومتر، ۱۶۰ کیلومتر می‌باشد

۳ - غارت ثروت‌های ملی بدون هیچگونه رسیدگی و اجرای طرح‌های گرانی و صنعتی منطقه؛ در سال جاری ۳۰۰ تن خاویار از دریای خزر توسط اداره شیلات رژیم غارت گردید. بهای ۵۰ گرم خاویار دریای خزر در بازار لندن ۸۰ لیره ارزش دارد. از این غارت هیچ سهمی عاید منطقه نمی‌گردد، در عوض گلوله‌های

خواننده گرامی، آقای گورگنلی در نامه‌ای که برای نشریه کار فرستاده‌اند اخباری از اقدامات رژیم علیه ترکمن‌ها ارسال داشته‌اند. در این نامه آمده است:

۱ - در رابطه با انتخابات با اینکه ترکمن‌ها را میان دو استان خراسان و مازندران قرار داده، استان خاصی بنام آنها برسمیت شناخته نمی‌شود. مردم ترکمن در شهرهای ترکمن نشین گنبد قابوس، بندر ترکمن و حتی رامیان توانستند به نمایندگان ترکمن رای داده آنها را نسبت به رقبای غیر ترکمن در صدر قرار دهند.

بدین ترتیب در شهر گنبد قابوس اترک طیار، در بندر ترکمن مهندس یوسف بسنجیده و در رامیان معنی ملاکو را انتخاب نمودند ولی رژیم انتخابات حوزه‌های نوق را باطل نمود. ولی هنگامیکه با تقلب فراوان در شهر بندر ترکمن، غیر ترکمنی بنام محمد قاسم کیا رای می‌آورد. انتخابات حوزه نوق از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۲ - در رابطه با استان جدید و مرکزیت آن:

توضیح و پوزش

در شماره قبل نشریه کار، متأسفانه بخش‌هایی از خلاصه یک نامه رسیده با عنوان «مبارزه برای فعالیت قانونی خواست فوری ماست!» به هنگام صفحه‌بندی از قلم افتاده بود. با پوزش از نگارنده نامه آقای علی معین دوست و همه خوانندگان عزیز، آنچه که قرار بود در شماره قبل نشریه بیاید اینک از نظر خوانندگان می‌گذرد.

با توجه به اوضاع سیاسی کشور پس از انتخابات مجلس چهارم، و با ارزیابی از تعادل قوای سیاسی در جامعه و حکومت، به نظر می‌رسد بتدریج امکانات و شرایط واقعی برای مبارزه قانونی در چهارچوب قانون اساسی ج.ا. فراهم می‌شود.

طی چند ماه آینده، درگیری بین جناح‌های مختلف حکومت تشدید خواهد شد و یکی از اصلی‌ترین موضوع درگیری مسئله آزادیهای سیاسی خواهد

بود. در این درگیری‌ها احتمال یورش به نشریات غیر وابسته به حکومت وجود خواهد داشت و چه بسا برای مدت کوتاهی برخی نشریات و سازمان‌های فرهنگی متعلق به دگراندیشان تعطیل شود. بهانه برای اینکار و امکانات برای این اقدام به اندازه کافی وجود دارد. روندی که در طول دو سال اخیر طی شده اگر چه ممکن است با زور سرنیزه برای مدتی متوقف شود اما بازگشت و پس‌گرفتن آن در شرایط سیاسی کنونی تقریباً محال است. مگر

توضیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان گرامی، در بخش آخر مقاله «نکاتی پیرامون شکست سوسیالیسم موجود» مندرج در شماره ۴۰ نشریه کار، جمله‌ای به اشتباه چنین درج شده بود که: «رهبران جوامع مزبور بدون داشتن طرح‌های اجتماعی سازنده و حیرت‌زده در برابر پیشرفت‌های جوامع سرمایه‌داری، به تخریب نظام موجود پرداختند.» نویسنده این مقاله آقای مزدک طی نامه‌ای به نشریه کار توضیح داده‌اند که شکل صحیح جمله نوق چنین است: «رهبران جوامع مزبور ناباورانه، بدون داشتن طرح‌های اجتماعی سازنده و به‌گونه حیرت‌زده، با امواج مخالفت «جامعه‌مدنی» مواجه شدند.»

با اشتراك کار ما را در پيشبرد وظايفمان ياري رسانيد

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار از سال نمایند.</p> <p>مايلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم، معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/></p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانابنویسید)</p> <p>Name: _____ Address: _____</p>		<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله								
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک								
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک								

مسئله قره باغ

ادامه از صفحه ۱۲

سیاسی آذربایجان باید به اهمیت دو عامل مذهب و ناسیونالیسم اشاره کرد و بر آن واقف بود. در این رابطه دو کشور بر تحولات و رویدادهای سیاسی آذربایجان تأثیر به سزایی داشته‌اند؛ ایران به سبب پیوند مذهبی و بویژه این که میلیون‌ها آذربایجانی در آن زندگی می‌کنند و ترکیه به دلیل تعلق به ملت ترک زبان. تمایل مردم جمهوری آذربایجان که بنا به علل مذکور در ابتدا نسبت به ایران قویتر از ترکیه بود، رفته رفته نسبت به ایران کاهش و نسبت به ترکیه افزایش پیدا کرد. در این پروسه مجموعه‌ای از عوامل، از جمله بویژه سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله قره باغ و عدم حمایت آشکار آن از تمایلات ناسیونالیستی آذربایجانی‌ها موثر بودند. در همین حال ترکیه تدریجاً به حمایت خود از گرایش‌های ناسیونالیستی در آذربایجان جنبه‌ای آشکارتر و رسمی‌تر بخشید. این عامل سبب تأثیر هر چه یک جانبه‌تر ترکیه بر آذربایجان و قدرت‌گیری نیروهای ناسیونالیست در این مجموعه شده است.

مواضع دولت‌ها طبق سنن روابط و موضع‌گیری‌های سیاسی بین‌المللی، دولت‌های مختلف نه واقعیات و حقوق و موازین بین‌المللی بلکه هلاقی و وابستگی‌های خود را ملاک برخورد با مناقشه آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها قرار داده‌اند. در این رابطه نیز مذهب و تعلقات ملی در کنار روابط و وابستگی‌های اقتصادی نقش به سزایی ایفا می‌کنند.

دولت روسیه علیرغم آنکه به دلیل تنش‌های سیاسی داخلی و انبوه مسائل و مشکلات خود از حمایت آشکار از ارمنستان پرهیز میکند، ولی در واقع در اثر تعلقات مذهبی و نقش ارمنه در اقتصاد مرکزی و نیز سیاست دولت‌های بزرگ قریب، طرف این جمهوری را می‌گیرد. غرب نیز برخلاف ادعاهای خیرخواهیش از ارمنستان جانبداری می‌کند. در تصویری که رسانه‌های گروهی غربی از وقایع جنوب قفقاز ارائه می‌دهند مقصر آذربایجانی‌ها قلمداد می‌شوند. آنها هستند که قصد تسخیر و الحاق قره باغ کوهستانی به آذربایجان را دارند. دولت‌ها و رسانه‌های گروهی غرب به این طریق افکار عمومی غربی را در جانبداری از ارمنستان سمت می‌دهند. از آنجایی که این رسانه‌ها در انتقال اخبار و رویدادها در سراسر جهان نقش بسیار مهمی برعهده دارند، در دیدگاه یک‌جانبه و طرفدارانه‌ای که در بسیاری از نقاط جهان نسبت به ارمنستان و در مقابل آذربایجان شکل گرفته است، نقش چشم‌گیری دارند.

ترکیه عمدتاً به دلیل ارتباط ملی با آذربایجانی‌ها و ولی مهم‌تر از آن به دلیل تلاش برای پیروزی در رقابت منطقه‌ای با رژیم اسلامی حاکم بر ایران و نیز میل به ایجاد امپراطوری بزرگ ترک از آذربایجان حمایت می‌کند. در این حمایت نباید نقش تقابل ملی ترک‌ها و ارمنی‌ها را نادیده گرفت. ترکیه حتی از تهدید نظامی ارمنستان نیز خودداری نورزیده است. به نظر می‌رسد اینکه آنکارا از دست زدن به اقدام و دخالت نظامی پرهیز می‌کند، در هراس آن از دوام ناشی می‌شود. اول اینکه گرچه روسیه دارای ارتشی به قدرتمندی سابق نیست،

تحول در آرایش نیرو؟

پیرامون دور جدید مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل

متحد آمریکا دریافت کرده است، یکی از عوامل فشار بر اسرائیل جهت پیشبرد مذاکرات کاسته شده است. اردن که به طور سنتی روابط حسنه‌ای با حزب کارگر اسرائیل داشت، اکنون چندان مورد توجه آمریکا و اسرائیل نیست اما در صورت ایجاد یک منطقه خودمختار فلسطینی به سادگی نمی‌توان از نقش اردن صرف نظر کرد. هم‌اکنون نیز مذاکراتی با نمایندگان فلسطینی جهت ایجاد یک نیروی انتظامی فلسطینی با کمک دولت اردن در جریان است.

جالب اینجاست که دو دولت اردن و سوریه روابط دیکتری با یکدیگر برقرار کرده‌اند. در این خصوص دیدارهای پی‌درپی ملک حسین از سوریه باز بود. به این ترتیب به نظر می‌رسد آرایش نیروها در کشورهای عربی در حال تحول است. مصر در سناریوی جدید رابین و جرج بوش نقش اصلی را به عهده گرفته و سوریه و اردن به حاشیه رانده شده‌اند. اما هنوز آشکار نیست که ائتلاف‌ها و منافع این نیروها چه شکل‌هایی به خودگیرند. نتایج مذاکراتی که هم‌اکنون در واشنگتن جریان دارد به احتمال زیاد دورنمای آینده را روشن خواهد ساخت.

فلسطینی در مفهوم وسیع کلمه، صحبتی در میان نیست. از سوی دیگر فلسطینی‌ها با روی کار آمدن دولت رابین امکانات وسیعتری جهت شرکت در روند مذاکرات پیدا کرده‌اند. دولت واشنگتن اعلام کرد که تا پایان سال جاری توانقی درباره خودمختاری فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی بدست خواهد آمد. حتی شایع است که سازمان آزادیبخش فلسطین در مذاکرات آتی مشارکت داده خواهد شد. یاسر عرفات در نخستین مصاحبه‌ای که پس از یک دهه با یک روزنامه اسرائیلی انجام داده است گفت: «انتخاباتی برای صلح بود.»

در مقابل، سوریه به حاشیه رانده شده است. در پیشنهادات رابین کلمه‌ای درباره عقب‌نشینی اسرائیل از بلندیهای جولان، که از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل است، به چشم نمی‌خورد. در روزنامه سوریه گفته میشود که اسرائیل فقط مایل است مناسبات خود را با واشنگتن بهبود دهد و علاقه‌ای به یک فرایند صلح همه‌جانبه ندارند.

این موضع در میان محافل عربی تقویت شده است. در واقع نیز اکنون که اسرائیل بدون عقب‌نشینی‌های واقعی، ده میلیارد دلار اعتبار از ایالات

مصر از ایفای این نقش خرسند است و تمایل دارد از آن در جهت کسب هژمونی در جهان عرب سود جوید. روزنامه‌های مصری رضایت خود را از اینکه رابین در نخستین سفر خود به خارج با مقامات مصری دیدار کرد، پنهان نکردند. دولت مصر که سال‌ها به هلت روابط ویژه خویش با اسرائیل دشمنی همسایگان عربی خود را برانگیخته و در انزوایسز می‌برد، اکنون مشروعبیت خود را باز می‌یابد. حسنی مبارک می‌گوید که اعتماد ایالات متحده آمریکا و اسرائیل را هر چه بیشتر به خود جلب کند، او و عمرو موسی، وزیر خارجه مصر، در ماه‌های اخیر همواره تأکید کرده‌اند که مایلند در صورت اعلام آمادگی دولت رابین به پایان دادن اسکان یهودیان در مناطق اشغالی، سایر کشورهای عربی را متقاعد کنند که به تحریم خود علیه اسرائیل پایان دهند.

در میان فلسطینی‌ها در مورد پیشنهادات رابین اختلاف نظر وجود دارد. آن بخش از فلسطینی‌ها که از همان ابتدا مخالف مذاکرات بودند اکنون احساس حقانیت بیشتری می‌کنند، زیرا حتی در بنایه پایانی نشست وزرای خارجه عربی در دمشق دیگر از یک دولت مستقل

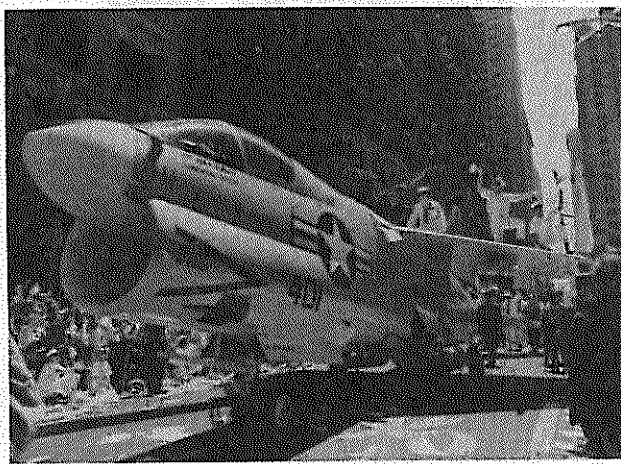
ادامه از صفحه ۱۲

معینی موجود است. هنگامی که وزرای خارجه مصر، سوریه، اردن، لبنان و نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین، دو هفته پس از تشکیل دولت اسحاق رابین، در دمشق گردآمدند، ظاهراً اتفاق نظر داشتند. آنها به دنبال این نشست اعلام کردند: «دولت اسرائیل باید آمادگی خود را جهت عقب‌نشینی از مناطق اشغالی، متوقف کردن ساختمان‌های شهک‌های یهودی و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین اعلام کند.» علاوه بر وزرای خارجه این کشورها در قطعنامه پایانی نشست دمشق خواهان حل مسئله مهاجرین سیاسی فلسطینی و رعایت حقوق مردم فلسطین در مناطق اشغالی شده بودند.

اما در پشت پرده، تضاد منافع کشورهای مختلف عربی عمل می‌کرد. به نظر می‌رسد که جرج بوش و اسحاق رابین مایلند دولت مصر نقش اصلی را در روند مذاکرات میان اعراب و اسرائیل ایفا کند. مصر تنها کشور عربیست که روابط رسمی با اسرائیل دارد و بنابراین از سوی آمریکا و اسرائیل به عنوان واسطه میان اعراب و اسرائیل قلمداد می‌شود. دولت

خاورمیانه انبار اصلی تسلیحات آمریکایی

سه چهارم صادرات اسلحه آمریکا به جهان سوم در چهار سال گذشته (۳۶/۵۱ میلیارد دلار) به کشورهای خاورمیانه سرازیر شده است.



دفتر تحقیقات تسلیحاتی کنگره آمریکا در گزارش سالانه خود، اعلام کرد که آمریکا در زمینه فروش تسلیحات به کشورهای جهان سوم مقام نخست را اشغال کرده است. مطابق این گزارش ۵۷ درصد کل فروش تسلیحات به کشورهای در حال توسعه متعلق به آمریکا بوده است. چهل درصد از فروش تسلیحاتی آمریکا در سال ۹۱ به هرستان سعودی بوده که به ۵/۶ میلیارد دلار بالغ می‌شود. مطابق گزارش فوق نیمی از صادرات اسلحه به کشورهای خاورمیانه در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ از سوی آمریکا صورت گرفته و این کشور در سال‌های فوق به تنهایی ۳۶/۵ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای خاورمیانه فروخته است. فروش سلاح‌های آمریکایی به جهان سوم در سال ۱۹۹۰ و هم‌زمان با تجاوز عراق به کویت به رقم بی‌سابقه ۱۸/۲ میلیارد دلار رسید که بخش

عمده‌ای از آن به کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس و هرستان سعودی اختصاص یافت. بر اساس گزارش دفتر تحقیقات کنگره، سه چهارم صادرات اسلحه آمریکا به جهان سوم در چهار سال اخیر به خاورمیانه سرازیر شده است. به غیر از آمریکا، صادرات اسلحه از سوی سایر صادرکنندگان عمده در سال ۹۱ کاهش یافته است. حجم صادرات اسلحه روسیه در سال ۱۹۹۱ به میزان ۵۵ درصد کاهش یافت و از ۱۱/۲ میلیارد دلار به ۵ میلیارد دلار رسید با این حجم از صادرات، روسیه به عنوان دومین صادرکننده اسلحه در جهان باقی ماند. مدیر دفتر تحقیقات تسلیحاتی کنگره آمریکا، یکی از هیل کاهش صادرات تسلیحات روسیه را تحریم‌های گسترده علیه رژیم عراق دانست و گفت دولت عراق برای ۶ سال متمادی اولین خریدار تسلیحات نظامی روسیه بود. فروش اسلحه از سوی فرانسه و چین (سومین و چهارمین صادرکنندگان اسلحه در جهان) نیز در سال گذشته میلادی به ترتیب ۸۷ و ۸۶ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و به ترتیب به ۴۰۰ و ۳۰۰ میلیون دلار رسید. بر اساس این گزارش هلت اصلی کاهش شدید صادرات تسلیحات چین در سال ۹۱ روی آوردن ایران به روسیه برای تأمین نیازهای دفاعی خود بوده است. چین در دهنه ۸ عمده‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات نظامی ایران محسوب می‌شود. مسکو از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ بیجگونه تسلیحات نظامی به ایران فروخت اما از سال ۱۹۸۷ تاکنون معادل ۴/۸ میلیارد دلار سلاح، از جمله جنگنده‌های میگ ۲۹، تانک و زیر دریایی به جمهوری اسلامی ایران فروخته است.

وحشیگری نئونازی‌ها در روستوک آلمان

برگزار گردید. در بروز این فاجعه علاوه بر نقش آشکار نئونازی‌ها باید بر نقش عدم برخورد قاطع پلیس در جلوگیری از این شورش و افزایش آن و تأثیر سیاست‌های احزاب دست راستی در افزایش تمایل مردم و بویژه جوانان به سمت سیاست‌های خارجی ستیزانه تأکید کرد. بروز مجدد اعمال فاشیستی، نگرانی همه نیروهای ضد فاشیست را برانگیخته است. مقابله با این خطر، یک وظیفه عمومی مردم آلمان و همه ساکنان این کشور است و به هماهنگی مبارزه علیه فاشیسم نیاز دارد.

سیاسی آلمان نازیستی خود نسبت به این اتفاقات را ابراز کردند. ولی احزاب راست این آکسیون سیاسی را دلیلی برای تسریع در تغییر حق پناهندگی در قانون اساسی کشور دانستند. پس از این رویدادها بالغ بر سه‌هزار تن از مردم شهر روستوک در تظاهراتی به خیابان‌ها آمدند و به حرکات ضد خارجی نئونازی‌ها اعتراض کردند. شب شنبه ۲۹ اوت نیز تظاهراتی از سوی احزاب و نیروهای مخالف خارجی ستیزی ترتیب داده شد که هزاران نفر در آن شرکت کردند. این تظاهرات با حضور وسیع نیروهای پلیس

ادامه از صفحه ۱۲ رخدادها را نشانه نضج دوباره فاشیسم در آلمان بخصوص شرق آلمان و نتیجه برخورد ضعیف حکومت آلمان با آن‌ها دانستند. یکی از نمایندگان مجلس بریتانیا از نیاز به تربیت مجدد مردم شرق آلمان سخن گفت. کوپفر وزیر داخله منطقه روستوک از بروز این حادثه اظهار ناراحتی کرد. ولی گفت که احساسات اهالی را درک می‌کند و افزود برای جلوگیری از درگیری‌های مشابه باید پذیرش پناهندگان را کنترل کرد. رئیس جمهور، صدر اعظم، اعضای کابینه و مجلس و احزاب بزرگ عمیق‌تر می‌کنند، خاتمه داد.

سومالی: فاجعه انسانی در اثر خشکسالی و قحطی

در کشور جنگ زده سومالی در شاخ آفریقا قحطی کماکان قربانی می‌گیرد. جان ۲ - ۱/۵ میلیون انسان در معرض خطر است. این تعداد از جمله شامل نیم تا یک میلیون کودک نیز می‌باشد. حداقل یک چهارم کودکان زیر ۵ سال سومالی در نتیجه قحطی جان خود را از دست داده‌اند. روزانه ۷۵۰ سومالیایی در اثر فقر غذایی جان می‌سپارند. ۹۵ درصد از کودکان این کشور از فقر غذایی رنج می‌برند. این آمار در جهان بی‌سابقه است.

شده است. تنها فعالیت‌های اقتصادی جاری در این کشور عبارتند از دزدی و احتکار مواد غذایی. ایالات متحده آمریکا که خود را اس اقدام به گشایش یک پل هوایی به سومالی کرده است، بخشی از کالاهای ارسال را برای فروش به مغازه‌ها و انبار می‌کند. تا به این وسیله از شدت قحطی کاسته شود.

رساندن مواد غذایی از طریق راه‌های خاکی تقریباً غیرممکن است، چراکه باند‌های مسلح کنترل راه‌ها را در اختیار دارند. مذاکراتی با آنها برای توافق بر سر گرفتن اجازه عبور انجام گرفته است، لیکن تعدد و عدم یگانگی راهزنان هر امیددی در این زمینه را به یاس بدل می‌سازد. در بندر کیسمایو باندهای مسلح در حمله به یک کشتی حامل کمک‌های

غذایی ارسالی بیش از ۱۰۰ تن مواد غذایی را تصاحب کردند. در محافل پیرامون سازمان ملل صحبت از ارسال بالغ بر ۳۵۰۰ سرباز سازمان ملل برای کنترل راه‌ها، بازکردن کریدورهای امن و نظارت بر توزیع مواد غذایی در میان است. باندهای مسلح حتی از هجوم به قحطی زدگان در حین خوردن غذاهای دریافتی نیز دریغ نمی‌ورزند.

پس از مرگ زیادبارة رئیس جمهور سومالی در ژانویه ۹۱، جنگ داخلی تمامی شئون کشور را تحت تاثیر خود قرار داده است. طرف‌های درگیر در این جنگ، نیروهای مستند که سابقاً در جبهه‌های واحد علیه زیادبارة می‌جنگیدند، اکنون باندهای مسلح از خلا قدرت سو استفاده می‌کنند و مردم را مورد تضییق و آزار و

اذیت قرار می‌دهند. محافل امنیتی اسلحه و مواد مخدر نیز در این کشور به کثرت به چشم می‌خورند. بیش از نیمی از جوانان سلاح‌های خودکار دارند. رهبران باندها نیمی از اجرت سربازان مزدور خود را به پول و نیمی دیگر را به صورت مواد مخدر پرداخت می‌کنند. گرچه در هفته گذشته گفتگوهایی بین طرف‌های درگیر درباره اتمام جنگ داخلی صورت گرفت، ولی هیچ تفسیری در اوضاع مشاهده نمی‌شود.

به گفته شاهدان عینی در حالی که بسیاری از مردم در نتیجه خشکسالی و گرسنگی در معرض مرگ قرار دارند، باندهای مختلف سومالی را به قصر نوسنگی بازگردانده‌اند. دولتی وجود ندارد. در سومالی قانون جنگلی حکم‌رماست.



کودک پنج ساله لخطاتی پس از دریافت خوراک، از فرط ناتوانی جان می‌سپارد.

مسئله قره باغ

اتحاد شوروی در هم‌سایگی شمالی کشور ما ابرقدرتی جای خود را به مجموعه‌های ناماهنگ، ناموزون و ناقداهتیار، نفوذ و نقش جهانی به نام جامعه مشترک‌المنافع کشورهای مستقل داده است. آنچه سیماي این پدیده جدید را ترسیم می‌کند، آینده در همی است از فقر، فلاکت، آشفتگی، خشونت و قدرت طلبی سیاسی. در این مجموعه باید به مناقشات ملی نیز اشاره کرد. این مناقشات در بسیاری از نقاطا حد جنگ‌های تمام‌عیار فراروئیده و صحنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار داده‌اند. از شرق تا غرب، پهنه نوزاد نه‌ماهه جغرافیای سیاسی جهان، هر صده دست کم ۶۲ جنگ بالقوه و بالفعل بر سر اختلافاتی ملی است که بنابه دلایل گوناگون هیچگاه حل و برطرف نشده‌اند. یکی از مناطقی که اختلافات ملی در آن و پیرامونش حدت نگران‌کننده‌ای یافته، جمهوری آذربایجان است.

هوامل مختلف از قبیل پیوندهای ملی مردم این سرزمین با بخش قابل توجهی از مردم کشور ما، مذهبی مشترک و گذشته فرهنگی و تاریخی مشترک همانند رشته‌ای پر قوت سرنوشت این جمهوری و مردم آن را با سرنوشت کشور و مردم مادر ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌دهند.

سابقه و همل درگیری دو مولفه اصلی جامعه امروزی جمهوری آذربایجان عبارتند از ۱ - معادلات کماکان مبهم و حل نشده قدرت سیاسی و ۲ - جنگ تمام‌عیاری که میان این جمهوری و جمهوری ارمنستان جریان دارد. هر که در چند ساله اخیر تحولات آذربایجان را دنبال کرده باشد به خوبی می‌داند که هر تغییر و تحول در مولفه اول در ارتباطی محسوس و مشهود با سیر و تکامل اوضاع حول و حوش مولفه دوم بوده و مستقیم یا غیرمستقیم در آن ریشه داشته است. در حال حاضر وضعیت این جمهوری را درگیری آن با جمهوری همسایه اش رقم می‌زند و آینده این جمهوری تا حدود بسیاری در گرو نتایج این منازعه ملی و شیوه حل آن می‌باشد.

مناقشات ملی میان ارمنیه و بزرگترین شاخه‌های ملل ترک‌زبان همسایه آن، هثمائی‌ها و آذربایجانی‌ها، تاریخچه‌ای طولانی دارد. قرن بیستم شاهد سه دوره بسیار بحرانی در روابط ترک‌ها و ارمنیه بوده است. برای اولین بار در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴ هجری شمسی) روابط دو ملت از کنترل خارج شد. در این سال و طی تنها صد روز ارتش امپراطوری عثمانی بیش از یک میلیون ارمنی را قتل‌عام کرد. دومین نوزان خشم و کینه میان آنان در سال ۱۹۱۸ (۱۹۲۷ هجری شمسی) و پس از شکست کمون باکو رخ داد. ارمنیه و مسلمان‌ها به مدت چند روز در آذربایجان قفقاز و بویژه در باکو به کشتار یکدیگر پرداختند. سومین بحران، جنگی است که امروزه حیات جنوب قفقاز را مختل کرده است.

جنگ جاری میان آذربایجان و ارمنستان، که بیشتر حول منطقه

تحول در آرایش نیرو؟

پیرامون دور جدید مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل

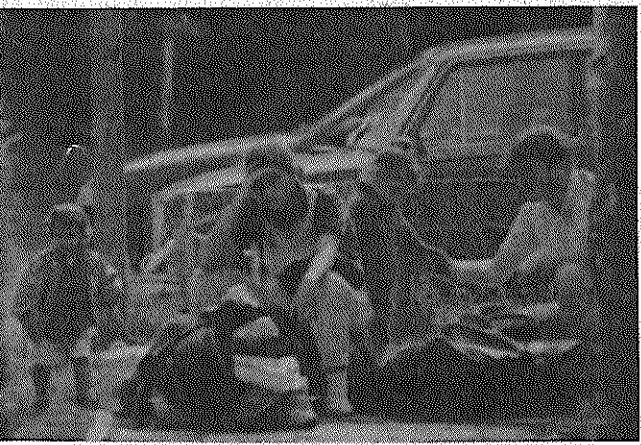
ادامه دارد. خانم اشراوی، سخنگوی هیئت نمایندگی فلسطینی در این خصوص گفت: «اگر اکنون این اعتبار اهما شود نقش ایالات متحده آمریکا به عنوان میانجی صلح از بین می‌رود». رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین این تصمیم را «ضربه‌ای به فرایند صلح» خواند. این تصمیم واکنش، که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و جهت جلب آرای یهودیان این کشور اتخاذ شده به جو بدبینی در محافل فلسطینی دامن زده است. عبدالرحیم، سفیر فلسطین در امان و حلقه رابط میان هیات نمایندگی فلسطینی در مذاکرات و سازمان آزادیبخش فلسطین بدنبال این اقدام دولت آمریکا گفت: «من شور و شوق زیادی جهت شرکت هیئت نمایندگی فلسطینی در مذاکرات واشنگتن ندارم». با این وجود، این هیئت در مذاکرات مذکور مشارکت نموده است. خواست اصلی طرف فلسطینی کنیاکان توقف ساختمان شهرک‌های یهودی در مناطق اشغالی است.

میان مواضع سایر محافل و کشورهای عربی که در مذاکرات واشنگتن شرکت دارند تفاوتی ادامه در صفحه ۱۱

و عشیگری نئونازی هادر وستوک آلمان

از شب شنبه ۲۲ اوت به مدت چند روز نئونازی‌ها در شهر وستوک، بزرگترین بندر شرق آلمان، به حمله به محل اسکان جمعی پناهندگان و کارگران ویتنامی پرداختند. تعداد شرکت کنندگان در این خشونت که اکثر جوان‌های نئونازی بودند در بعضی از شب‌ها به هزار نفر می‌رسید. غیر از شب آخر، نئونازی‌ها از حمایت ساکت مردم شهر نیز برخوردار بودند. پلیس با ماشین‌های آب پاش و شلیک گاز اشک‌آور با آن‌ها به مقابله پرداخت. گرچه پلیس بدلیل اعلام قبلی خبر برگزاری تظاهرات برای مقابله با آن آماده بود، ولی در مواجهه با آن دچار آشفتگی شد. این تظاهرات بصورت مآواری منطقه‌ای طرح ریزی شده بود. نئونازی‌های شرکت کننده در آن

ادامه در صفحه ۱۱



تاریخی حدوداً ۴۰ ساله دارد. بهانه آغاز رویدادهایی که اکنون حدود پنج سال از همرشان می‌گذرد، تقاضای جدایی قره باغ کوهستانی از جمهوری آذربایجان و پیوستن آن به جمهوری ارمنستان بود، که از سوی ارمنیه، که اکثریت اهالی این جمهوری خودمختار را تشکیل می‌دادند، طرح شده بود. آذربایجانی‌ها معتقد بودند که اولاً قره باغ کوهستانی بخش تاریخی لایفنگ آذربایجان می‌باشد و ثانیاً ارمنیه با توسل به انواع و اقسام حیل وترفندها و از جمله با بر خورداری از حمایت حکومت مرکزی اتحاد شوروی قادر به کسب اکثریت اهالی این منطقه شده‌اند. این دو دلیل برای آنها کافی بود تا سرسخانه در مقابل انفصال قره باغ کوهستانی از آذربایجان و پیوستن آن به جمهوری رقیب ایستادگی کنند.

یخ اختلافات ملی آذربایجانیا و ارمنی‌ها که طی قریب ۷۰ سال حکومت شوروی نه حل و فصل، بلکه تنها منجمد شده بودند، در حال آب شدن بود. شاید بتوان گفت که این واقعت از نتایج تحقق هدف اصلی مرحله اول پرسترویکای گارباچف، یعنی کشاندن مردم به صحنه و ترقیب و تشویق آنان به میان مسائل و مشکلات خود و کوشش در جهت سهم‌گیری در سرنوشت خود و کشورشان بود. مردم به صحنه آمدند. همه کسانی که در اولین تظاهرات مردمی دو جمهوری که گاه بالغ بر یک میلیون شرکت کننده داشت، حاضر بودند و یا آنها را نظاره و تعقیب می‌کردند شاهد بودند که مسئله ملی تنها مسئله طرح شده در این احتمالات نبود. در واقع مردم برای بیان تمامی مشکلات و دردهای خود به خیابانها و میادین بزرگترین شهرهای دو جمهوری آمده بودند. ولی برخورد بی‌اهتیا و خشن حکومت مرکزی با حرکات و اعتراضات مردم، آن‌ها را دلسرد کرد و به سوی حل خودسرانه مسائل سوق داد.

خواست و مناقشه ملی بتدریج سایر تهریلات و درخواست‌های مردم دو جمهوری راحت شفاع خود قرار داد و برخوردها، رودررویی‌ها و درگیری‌های آذربایجانیا و ارمنیه به تدریج و به سرعت خشن و خشن‌تر شد و اشکال سبعانه به خود گرفت. دیگر در تمامی خاک دو جمهوری کمتر پیش می‌آمد که یک آذربایجانی و یک ارمنی در مقابل هم قرار گیرند و از خشونت سخنی در میان نباشد.

عدم توانایی و بی‌درایتی سیاسی دولت‌های آذربایجان و مرکزی اتحاد شوروی در پاسخگویی به نیازهای مردم، موجب تغییرات گاه خشن سیاسی در هر صده این جمهوری گردید تا آنجا که امروزه سیاستمداران بی‌تجربه و ناوارد در راس امور سیاسی آذربایجان قرار گرفته‌اند. این امر در مورد ارمنستان صدق نمی‌کند. از آنجایی که در ارمنستان خود دولت تا حدود زیادی نماینده تمایلات ناسیونالیستی مردم بود، در این کشور هرج و مرج سیاسی حکمفرما نشد. در تغییرات

ادامه در صفحه ۱۱